

۳
افقدعوت به مذاکره پس از ماه‌ها!
رفتار متناقض رهبران اروپا با تهران۶
توسعهکسب‌وکار شیرین
چرا عده‌ای دوست دارند تحریم شویم؟۷
جامعهسراشیبی جمعیت
توقف رشد جمعیت ایران۸
دیدگاهاکسیو شیراز
کریم مجرب

تدبیر قالیباف

طرح خروج از NPT در مجلس مطرح نشد

۲
پارلمان

سرمقاله

طبل توخالی افراطیون

منافع ملی در گرو روش‌های نوین دیپلماسی است
نه غوغاسالاری تندروها

محمد عطریان‌فر

عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل
حزب کارگزاران سازندگی ایران

سیر گفت‌وگوهای هسته‌ای در طول ۲۰ سال گذشته فرآیندی پرنشیب‌وفراز داشته است. تمامی مراحل و جهت‌گیری‌های مذاکرات از الگوریتمی واحد تبعیت کرده اما نتیجه‌ای که رضایت مقامات مسئول و مردم را تأمین کند و شأن ملی ایران را پاس دارد به بار ننشسته است. اکنون در موقعیتی خطیر و نگران‌کننده قرار گرفته‌ایم؛ بحرانی که در تاریخ ۴۷ ساله استقرار جمهوری اسلامی، کم‌سابقه و بلکه بی‌سابقه بوده است. روشن است که اگر روند گذشته ادامه یابد، دستاوردی متفاوت از تجربه‌های پیشین حاصل نخواهد شد. بنابراین ضرورت دارد در این مقطع حساس، سرفصلی تازه در هدف‌گذاری مذاکرات گشوده شود.

برای برون‌رفت از بحران کنونی، رئیس‌جمهور مستقر باید از اختیاراتی گسترده‌تر از روسای جمهور پیشین برخوردار باشد. حمایت و همراهی مؤثر و معنادار رهبر معظم انقلاب، شرط اساسی توفیق این مسیر است. رئیس‌جمهور باید از ناحیه رهبری، اختیارات کافی در اختیار داشته باشد تا در بزنگاه‌های حساس و در تقابل با رقیب بتواند، ابتکار عمل را به دست گیرد و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشورتی، گام‌های مؤثر و راهگشا بردارد. اما درباره کارزاری که پیرامون «اسنپ‌بک» شکل گرفته؛ این گمانه‌زنی‌ها اساساً غلط و بی‌پایه است. آنچه اهمیت دارد، مصلحت‌سنجی و توجه به صلاح کشور است. نخبگان اگر نقطه‌نظری دارند باید خبرخواهانه در اختیار رئیس‌جمهور و مسئولان ذی‌ربط قرار دهند. طبیعی است که شورای عالی امنیت ملی که مسئولیت آن به‌درستی بر عهده آقای لاریجانی نهاده شده باید پیش‌نیازهای دیپلماتیک رئیس‌جمهور را فراهم آورد و اختیارات لازم را برای موفقیت هرچه بیشتر او از مقامات ذی‌ربط اخذ کند. حقیقت آن است که نباید در برابر مقولات ابزاری و زودگذر، سرسختی نشان داد. تجربه‌های بسیار داریم که بر اساس ضرورت و به‌منظور تأمین مصالح کشور، می‌توان هر تابویی را شکست. تصلب و قطعیت‌های ناصواب همواره زیان‌بار بوده است. باید افق‌های بلند را نگرست و رویکردهای سیاسی و دیپلماتیک را بر اساس شرایط زمان و مصلحت ملی بازتعریف کرد. ایران نیازمند آن است که با تکیه بر تجربه‌های گذشته، گام در مسیر اصلاح رویکردها بگذارد و مهم‌ترین مطالبات نسل مطالبه‌گر امروز را برآورده کند. دیپلماسی به‌مثابه یک فرآیند زنده، نیازمند تغییر و نو شدن است و نباید سرمایه ملت را صرف جزئیات فرساینده کرد. در حقیقت ایران می‌تواند با نقش‌آفرینی فعال، ترتیبات امنیتی منطقه و جهان را بهبود بخشد و به عنوان عاملی امنیت‌بخش، سهمی مؤثر در زدودن خشونت و رادیکالیسم ایفا کند.

از این منظر نباید تصور کرد اگر در سازمان ملل ملاقاتی خاص صورت نگیرد، دنیا به پایان خواهد رسید. ایران از ظرفیت و اقتدار کافی برخوردار است تا شرایط را مجدداً به نفع خود تغییر دهد. تغییر روش‌ها متناسب با زمان نه تنها جای نگرانی ندارد بلکه عین ضرورت است. این تغییر به هیچ‌وجه به معنای عدول از اصول یا فاصله گرفتن از انقلاب نیست؛ بلکه اتخاذ هر روش همواره باید تابع هدف بزرگ‌تر، یعنی تأمین منافع ملی باشد. در این مسیر هم نباید از غوغای تندروها هراسی داشت. تندروها در سپهر سیاست ایران هیچ‌گاه وزن و جایگاه واقعی نداشته‌اند. آنان جرثومه‌هایی هستند که هیاو دارند و صدایشان طبل توخالی است. آنها با غوغاسالاری همچون طبل‌هایی توخالی می‌کوشند، خود را در قامت یک مانع نشان دهند حال آنکه در تصمیمات کلان نظام هیچ‌گاه منشأ اثر نبوده‌اند. چنانکه امیرالمؤمنین (ع) فرموده‌اند، «رعد و برقی هستند که نمی‌بارند»؛ تنها گوش‌ها را با فریادهای بی‌پایه می‌خراشند. آنها البته حق ندارند بنا به دریافت‌های شخصی خود به منفعت ملی خدشه وارد کنند. کشور و کارگزاران خدمت آن نیز در انتظار رضایت افراطیون نمی‌مانند. رفتار آنان ساختارشکن و آسیب‌زننده است و البته باید با تدابیر مسئولان صاحب اختیار کنترل شود؛ اما هرگز نباید در مقام تأمین مصالح ملی دچار تعلل و تأخیر شد. تجربه نشان داده است که افراطیون حتی در برابر درست‌ترین استدلال‌ها قانع نمی‌شوند. آنان بخش ناچیز و اندکی از جامعه‌اند. اگر همراهی نمی‌کنند، دست‌کم باید به آنان یادآور شد که در این سرزمین، منافع ملی بر هر منفعت جناحی و قبیله‌ای مقدم است.

اعلام آمادگی جلیلی برای مناظره با روحانی

بازگشت تحریم‌ها، بار دیگر حسن روحانی و سعید جلیلی را رودرروی یکدیگر قرار داد
یک سال پس از آنکه روحانی خطاب به جلیلی گفته بود «اگر شهامت دارید
درباره دولت تدبیر و امید صحبت کنید، بیایید با خود من مناظره کنید»
دیروز سعید جلیلی اعلام کرد که آماده این مناظره است

روزنامه سازندگی

آمادگی خود برای

میزبانی این مناظره

با حضور اهالی رسانه

را اعلام می‌دارد



عاطفه شمس

گروه سیاسی



سعید جلیلی اعلام کرد که آماده مناظره با حسن روحانی است. او البته بلافاصله بعد از این اعلام آمادگی به روحانی طعنه زد که روحانی باید با یک بچه دبستانی مناظره کند و طبعاً در این مناظره، آن بچه می‌تواند، حسن روحانی را محکوم کند. این اقدام در واکنش به مباحثه‌ای صورت گرفت که از تیر ماه ۱۴۰۳ آغاز شد؛ جایی که حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین خطاب به جلیلی بیان کرد: «شما ۷۰۰ میلیارد دلار به کشور صدمه زدید و در این ۳ سال، ۳۰۰ میلیارد دیگر لطمه زدید. اگر شهامت دارید درباره دولت روحانی و تدبیر و امید صحبت کنید، بیایید با خود من مناظره کنید». دیروز در پاسخ به این دعوت، جلیلی در شیراز اعلام آمادگی کرد و با لحنی تند گفت: «من همین الان آمادگی دارم (برای مناظره). امروز حتی یک بچه دبستانی که اخبار را یک دور خوانده باشد و اظهارات آقای روحانی را دیده باشد، در مناظره آقای روحانی را محکوم خواهد کرد».

ادامه در صفحه ۲

دیدگاه: یادداشت سیاسی

ماشه داخلی

دور شدن از توسعه و پایداری



نوبید حسینیون

عضو شورای استان خراسان رضوی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

این روزها در حالی که مردم بسا نگرانی، بازارها را رصد می‌کنند و مدیران و سیاست‌یون همچون همیشه موفقیت مکانیسم ماشه را تکذیب می‌کنند، تردیدی نیست که ایران وارد مرحله جدیدی از مشکلات چندلایه خواهد شد. بدون شک اثرات حقوقی بازگشت تحریم‌های سازمان ملل در ابتدا بیشتر از تبعات اقتصادی آن است زیرا تحریم‌های آمریکا از زمان خروج ترامپ از برجام برقرار بوده بنابراین آثار اقتصادی دیرتر و ناملموس‌تر بر جامعه وارد می‌شود. اما چرا ما از فرصت ۱۰ سال گذشته و تجربه سخت تحریم‌های سازمان ملل و آمریکا استفاده نکردیم یا چرا نتوانستیم از برجام بهره ببریم و کشور را از لبه پرتگاه دور کنیم؟ این پرسش اصلی است وگرنه همه می‌دانیم تحریم با زندگی مردم چه کرده است.

ما گرفتار فرآیندهای اشتباهی هستیم که مانند مکانیسم ماشه هر از گاهی عمل کرده و مانع تغییر در کشور شده است. ایران به علت جایگاه ژئوپلیتیک خود دارای مزیت‌های فراوانی است. قرار گرفتن در میانه کریدورها و شاهراه‌های تجاری دنیا از هزاران سال پیش ایران را به مرکز مبادلات جهانی بدل کرده و کشف نفت نیز این موقعیت را تقویت کرده است. با این حال، ما سال‌ها با تکیه بر نفت و به صورت تک‌محور سعی کردیم، امنیت خود را در بازی قدرت‌های بزرگ حفظ کنیم.

ایران در بطن فشارهای استراتژیک دنیا نمی‌تواند خود را منزوی کند. مکانیسم ماشه داخلی ما دقیقا همین نقطه بود. وقتی در تله امنیتی‌سازی ایران افتادیم و به علت درک اشتباهی که از بازار و اقتصاد در بین مدیران و تصمیم‌گیران کشور بود و نگاه امنیتی که از اواسط دهه ۱۳۳۰ بر سیاست خارجی و مبادلات اقتصادی کشور حاکم است و محدود به دوران حاضر نیز نیست از اقتصاد جهان حذف شدیم. تجربه نشان داده هرگاه ایران منزوی شده و از اقتصاد دنیا کنار گذاشته شده زیر ضرب قرار گرفته؛ همان‌طور که پس از صفویه تا امروز ادامه دارد.

بزرگ‌ترین اشتباه برای ایران، اتخاذ استراتژی انزواگرایی به جای استراتژی اقتصادی همکاری تجاری با منطقه و دنیاست. اقتصاد دستوری‌محور و رفاهتی که بر مبنای تقویت گروه‌های حامی است، مکانیسم ماشه داخلی ما بوده است. ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک خود نمی‌تواند متحد هیچ قدرت بزرگی چون آمریکا، چین یا روسیه باشد بلکه باید با سیاست اقتصادی و تجاری خود موازنه بین قدرت‌ها را رعایت کند.

مسئولان ایران چه در گذشته و چه امروز هرگاه زیر فشار استراتژیک قدرت‌ها و رقابت منطقه‌ای قرار گرفته‌اند به اشتباه امنیت را در خارج از مرزها جست‌وجو کرده‌اند. این استراتژی شاید در کوتاه‌مدت کارآمد باشد اما در بلندمدت به دلیل کمبود منابع، کشور را دچار چالش می‌کند.

سه اصل برای تقویت و ایجاد تاب‌آوری ایران لازم است: نخست تقویت بنیه نظامی، دوم حمایت از گروه‌های غیردولتی و مهم‌تر از همه انتقال نقطه ثقل امنیت ملی به داخل کشور؛ یعنی تمرکز بر رابطه حکومت و مردم، پذیرش تنوع سبک زندگی و ایجاد اقتصادی قوی مبتنی بر تبادل تجاری با کشورهای منطقه. همچنین حضور سیاسی و نظامی ایران باید به گونه‌ای باشد که به منفعت اقتصادی در سفره مردم منجر شود.

دنیای امروز، دنیای اتصال است. هویت ایران در طول هزاران سال، شاهراه و مسیر ارتباط اقوام و ملت‌ها بوده است. امنیت را نمی‌توان از طریق انزوا به دست آورد. کلان‌استراتژی امروز ما باید خاموش کردن مکانیسم ماشه داخلی باشد؛ مکانیسمی که ملت و اقتصاد ایران را محدود کرده است. تجربه نشان داده هرگاه ایران منزوی شده و از اقتصاد جهانی کنار گذاشته شده، آسیب دیده است. راه درست برای ایران، همکاری اقتصادی و تجاری با جهان، پذیرش تنوع در داخل و ایجاد موازنه هوشمندانه در خارج است.

ادامه تیتیر یک

جدل مجازی روحانی، رئیس‌جمهور پیشین ایران و جلیلی، عضو شورای عالی امنیت ملی و نامزد چند دوره ریاست جمهوری صرفاً یک درگیری شخصی یا جناحی نیست؛ بلکه تصویری روشن از دو نگاه متفاوت به سرنوشت ایران در جهان امروز را پیش روی افکار عمومی می‌گذارد. یک نگاه متکی بر دیپلماسی و تعامل هوشمندانه و یک نگاه محصور در شعارهای تقابلی و فرصت‌سوزی‌های پرهزینه. مناظره احتمالی این دو چهره در شرایط فعلی معنای تازه‌ای یافته است: دیپلماسی‌ای که فرصت آفرید، در برابر سیاستی که ایران را زیر بار قطعنامه‌ها برد.

بازگشت یک مناظره ناتمام

سیاست ایران بار دیگر شاهد تقابل چهره‌هایی است که هر یک نماد یک مسیر و یک جهان‌بینی‌اند: حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین که نامش با برجام و شکستن اجماع جهانی علیه ایران گره خورده و سعید جلیلی، دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی که کارنامه‌اش با مذاکرات بی‌فرجام و صدور پیاپی قطعنامه‌ها در حافظه جمعی مانده است.

ماجرا از تیرماه ۱۴۰۳ اوج گرفت، زمانی که روحانی با صراحت، جلیلی را به مناظره دعوت کرد: «شما که ۷۰۰ میلیارد دلار به کشور صدمه زدید... اگر شهامت دارید، بیایید در صداوسیما با من مناظره کنید. مردم باید بدانند که ۶ سال بر سر محل مذاکره – بغداد یا آلمان – چه به دست آوردید جز قطعنامه و فقیرتر کردن مردم؟» این دعوت نه تنها واکنشی به تخریب‌های جلیلی بود بلکه یادآوری حقیقتی تاریخی نیز محسوب می‌شد؛ سال‌هایی که ایران در مسیر مذاکرات پرهزینه اما بی‌نتیجه گرفتار ماند. جلیلی اما در پاسخ، ضمن پذیرش مناظره، با لحنی طعنه‌آمیز گفت: «روحانی باید با یک بچه دبستانی مناظره کند». پاسخی که بیشتر از آنکه از اعتماد به نفس حکایت کند از هراس او در برابر گفت‌وگوی آزاد با رقیب خبر می‌دهد.

طی هفته‌های گذشته نیز در حالی که دستگاه دیپلماسی کشور برای جلوگیری از فعال شدن مکانیسم ماشه در حال رایزنی و تکلیف بود، رسانه‌های تندرو فارغ از اهمیت انسجام ملی همچون گذشته توپخانه خود را علیه روحانی و ظریف فعال کرده بودند. روزنامه کیهان، خبرگزاری تسنیم و چهره‌هایی چون حمید رسایی و امیرحسین ناظمی، در هماهنگی آشکار، آنان را عامل وضع موجود معرفی کردند. برخی پا را فراتر گذاشته و از «محاکمه» و حتی «اعدام» سخن گفتند. حملاتی که نه از سر تحلیل منصفانه بلکه با هدف انحراف افکار عمومی صورت گرفت. امروز اقتصاد ایران گرفتار رکود تورمی، کاهش سرمایه اجتماعی و بحران اعتماد است؛ و بهترین سپر دفاعی برای تدروها، متهم کردن دولت روحانی است که به جای تقابل با

پارلمان

تدبیر قالیباف

طرح خروج از NPT در مجلس مطرح نشد

گروه سیاسی: با اینکه از قبل اعلام کرده بودند، روز یک‌شنبه مجلس قرار است درباره خروج از NPT تصمیم بگیرد اما با تدبیر قالیباف این امر رخ نداد. پس از اینکه روز گذشته بار دیگر بحث خروج ایران از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای «ان‌پی‌تی» در مجلس مطرح شد، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی از تدوین حدود ۱۵ طرح مرتبط با این موضوع خبر داد و تأکید کرد که تاکنون تصمیمی در صحن علنی مجلس گرفته نشده است.

ابراهیم رضایی با اشاره به افزایش حساسیت موضوع پس از فعال شدن مکانیسم ماشه گفت: «این موضوع با فعال شدن مکانیسم ماشه پرنرنگ‌تر شد اما خروج از «ان‌پی‌تی» اقدامی است که نیازمند اجماع ملی خواهد بود». وی همچنین تجربه ایران در این معاهده را مرور کرد و افزود: «بر اساس «ان‌پی‌تی» و اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، آژانس باید در مسیر توسعه فناوری هسته‌ای به ما کمک می‌کرد اما در عمل تنها بازرسی‌ها و

جهان، راه تعامل و دیپلماسی را برگزیده بود.

روحانی نیز در پاسخ به این حملات، پرسشی بنیادین را مطرح کرد: «کسانی که دیروز می‌گفتند، قطعنامه‌ها کاغذپاره است امروز چرا نگران بازگشت همان قطعنامه‌ها هستند؟» سؤالی که نقطه‌ای کلیدی را برجسته می‌کرد. اگر قطعنامه‌ها بی‌اثر بودند چرا بازگشت‌شان چنین هراس‌آفرین است؟ واقعیت این است که برجام توانست اجماع جهانی علیه ایران را بشکند، فروش نفت را بازگرداند، دارایی‌ها را آزاد کند و برای نخستین بار حق غنی‌سازی ایران را در شورای امنیت تثبیت کند. این واکنش تدروها نشان می‌داد که آنها در تناقضی آشکار گیر افتاده‌اند؛ از یک‌سو برجام را «خسارت محض» می‌نامند و از سوی دیگر از تبعات لغوش به وحشت افتاده‌اند. این دوگانگی چیزی جز اعتراف غیرمستقیم به دستاوردهای دیپلماسی نیست.



محمدجواد ظریف، معمار برجام نیز بارها تأکید کرده که توافق هسته‌ای یک راه‌حل عقلانی بود؛ محدودیت‌های مشخص در برابر رفع تحریم‌ها. او یادآور شده است که مشکل اصلی نه در متن توافق بلکه در خروج یک‌جانبه آمریکا سپس تخریب داخلی بود. ظریف با صراحت گفت: «اگر برجام نبود، ایران زیر بار اجماع جهانی له می‌شد». این جمله، نه دفاعی شخصی بلکه هشدار نسبت به آینده کشور است. دیپلماسی اگر از دست برود، جایگزین آن چیزی جز تحریم، انزوا و فشار اقتصادی نخواهد بود.

چرا روحانی هدف اصلی است؟

در اینجا یک پرسش اساسی مطرح می‌شود، اینکه چرا تدروها بیش از همه به روحانی می‌تازند؟ با مروری بر گذشته شاید بتوان به پاسخی روشن رسید. روحانی در دو دوره انتخابات ریاست جمهوری، شکستی سنگین به جناح تندرو تحمیل کرد. در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ روحانی توانست با حمایت اصلاح‌طلبان پیروزی‌هایی تاریخی رقم بزند و تدروها را کنار بزند. زبان بی‌برده روحانی نیز همواره برای آنان غیرقابل تحمل بوده است. نکته بعدی پابندی روحانی و دولت او به حکمرانی مسئولانه است. روحانی برخلاف احمدی‌نژاد، هیچ‌گاه مرزهای رسمی نظام را نشکست و به اصول حکمرانی پابند ماند و مهم‌تر از همه، ناکامی‌های آشکار خود تدروها در اداره کشور پس از ۱۴۰۰ است. تورم افسارگسیخته، وعده‌های

بی‌ثمر و کاهش اعتماد عمومی، آنان را نیازمند یک «سیبل دائمی» کرده است و چه کسی بهتر از روحانی که یادآور دوران امید و تنفس اقتصادی بود؟

صداوسیما؛ رسانه ملی یا رسانه خانوادگی؟

روحانی همچنین در همان سخنان تیرماه خود از صداوسیما گلایه کرد: «ما چهار نامه نوشتیم برای پاسخ‌گویی اما فرصتی ندادند». این گلایه زمانی معنا می‌یابد که بدانیم وحید جلیلی، برادر سعید جلیلی، قائم‌مقام صداوسیماست. اخیراً نیز انتقاداتی از سوی مخاطبان، متوجه این رسانه و استانداردهای دوگانه آن شده و حاکی از این است که رسانه ملی در رفتاری دوگانه و کاملاً به دور از بی‌طرفی، گزارش رسانه‌های تندرو علیه حسن روحانی را به طور کامل در آنتن می‌خواند اما گزارش روزنامه‌های دیگر علیه تدروها و مثلاً سعید جلیلی را نمی‌خواند. بدین‌ترتیب نهادی که باید ملی باشد عملاً به تریبون انحصاری یک جریان بدل شده است. تخریب‌های مداوم علیه روحانی و ظریف، حذف دیدگاه‌های متفاوت و سکوت در برابر ناکامی‌های دولت‌های پس از روحانی، نشان می‌دهد که رسانه ملی در عمل به رسانه‌ای جناحی تقلیل یافته است. جلیلی در سال‌های اخیر با استفاده از رسانه‌های همسو از جمله صداوسیما که

برادر کوچک‌تر او وحید جلیلی در جایگاه قائم‌مقام رئیس این سازمان قرار دارد، تلاش کرده است تصویر تحریف شده‌ای از سیاست خارجی و عملکرد دولت‌های میانه‌رو ارائه دهد.

اکنون که بار دیگر بحث مکانیسم ماشه بر سر زبان‌هاست باید یادآور شد که این مکانیسم نه زاده دیپلماسی روحانی و ظریف بلکه نتیجه خروج آمریکا از برجام و کارشکنی اروپاست. ایران در چارچوب توافق باقی ماند و حتی طبق گزارش‌های آژانس، تعهداتش را اجرا کرد اما با فشار واشنگتن و بی‌عملی بروکسل، برجام تضعیف شد. امروز تهدید بازگشت قطعنامه‌ها، بهانه‌ای تازه در دست تدروهاست تا علیه روحانی و ظریف یورش برند. اما واقعیت روشن است؛ اگر برجام باقی مانده بود و مسیر تعامل ادامه می‌یافت، نه مکانیسم ماشه فعال می‌شد و نه ایران دوباره در معرض اجماع جهانی قرار می‌گرفت. کارنامه یک دهه اخیر پاسخ روشنی در خود دارد؛ سیاست تقابلی سعید جلیلی و همفکرانش جز انزوا و فشار اقتصادی، دستاوردی نداشت. در مقابل، سیاست تعاملی روحانی و ظریف – حتی اگر ناقص و موقت – فضای تنفسی برای ایران گشود و کشور را در موقعیتی حقوقی و بین‌المللی بی‌سابقه قرار داد. تدروها با حملات بی‌دربی می‌کوشند، گذشته خود را تطهیر کنند اما تاریخ قضاوت خواهد کرد. آنان که راه تعامل را گشودند به ایران خدمت کردند و آنان که فرصت‌ها را سوزاندند، مسئول خسارت‌هایی هستند که هنوز بر دوش ملت سنگینی می‌کند.

کشور را فراهم می‌کند و خروج از آن، ایران را در معرض اتهام ساخت سلاح هسته‌ای قرار خواهد داد و می‌تواند اجماع جهانی علیه تهران را رقم بزند.

از سوی دیگر، شرکای تجاری ایران بارها بر پابندی به این معاهده تأکید کرده‌اند و خروج از آن احتمال همراهی آنها با تحریم‌های جدید آمریکا و اروپا را افزایش می‌دهد. حتی کشورهایی مانند روسیه و چین نیز در صورت خروج ایران در موقعیت دشواری قرار خواهند گرفت. فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌ها بر مردم نیز افزایش خواهد یافت و تعامل ایران با اقتصاد جهانی محدودتر می‌شود.

کارشناسان تأکید می‌کنند که «ان‌پی‌تی» نباید صرفاً به عنوان یک محدودیت دیده شود بلکه فرصتی برای چانه‌زنی حقوقی و سیاسی در عرصه بین‌المللی است. بنابراین تصمیم‌گیری بدون اجماع ملی و بررسی دقیق پیامدهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی می‌تواند بیش از آنکه دستاوردی برای کشور داشته باشد به زیان منافع ملی تمام شود.

سنگ مقاومت

دومین سفر علی لاریجانی به لبنان حاوی چه پیامی بود؟

گروه بین‌الملل: علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، روز شنبه پنجم مهرماه برای دومین بار در رأس هیأتی راهی بیروت شد تا در مراسم ویژه نخستین سالگرد شهادت چند چهره برجسته مقاومت شرکت کند؛ از جمله سیدحسن نصرالله و سیدهاشم صفی‌الدین و شماری از یاران آنان.

لاریجانی در بدو ورود با تأکید بر تداوم پیوندهای تاریخی ایران و لبنان گفت که حضورش در بیروت به‌منظور شرکت در مجلس بزرگداشت شهدای لبنان است؛ شهدایی که از خاک این کشور دفاع کرده‌اند و به‌ویژه نقش شهیدان نصرالله و صفی‌الدین را برجسته دانست. او با اشاره به تغییر توازن ادراکات در منطقه، رفتار رژیم صهیونیستی را عاملی معرفی کرد که اکنون برای همه کشورها و جریان‌ها روشن شده است؛ موضوعی که به‌زعم او، سخنان و هشدارهای دهه‌های گذشته نصرالله را اثبات می‌کند.

یکی از نکات کلیدی اظهارات لاریجانی، اشاره به حادثه قطر و پیامدهای ناشی از آن بود؛ رویدادی که به گفته او، ضرورت ایجاد سازوکارهای همکاری میان کشورهای منطقه را آشکار کرده و از دید تهران، راهکارهای هم‌افزایی منطقه‌ای را مورد تأیید قرار می‌دهد. او همچنین بر افزایش مودت و

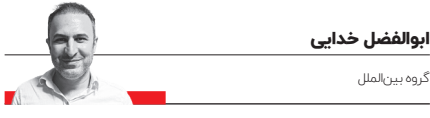
دوستی میان ملت‌های ایران و لبنان در سال‌های اخیر تأکید کرد و از حمایت ایران از دولت‌های مقتدر و مستقل سخن گفت؛ حمایتی که هدف آن تقویت ثبات و ایجاد زمینه برای دولتی قوی در لبنان دانسته شد. لاریجانی مقاومت را مولود و افتخار ملت لبنان خواند و آن را «سنگر مقاومتی» در برابر رژیم اسرائیل توصیف کرد؛ جریانی که به باور او سرمایه‌ای بزرگ برای جهان اسلام است. او با تمجید از نقش سیدحسن نصرالله و جریان حزب‌الله، تأکید کرد که تشخیص زودهنگام خطر اسرائیل و برنامه‌ریزی برای مقابله با آن، عامل اصلی برجستگی و تأثیرگذاری این جریان در منطقه بوده است.

در طول سفر، لاریجانی با مقامات بلندپایه لبنانی از جمله نبیه بری، رئیس مجلس و نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله دیدار و گفت‌وگو کرد. او درباره نزدیکی‌های احتمالی میان حزب‌الله و عربستان نیز موضعی مثبت اتخاذ کرد و گفت، مشارکت فکری میان این دو طرف در چارچوب منافع اسلامی و مقابل دشمن مشترک، اقدامی درست است و اختلافات نباید مانع گفت‌وگو و تفاهم شود. در همین راستا، پاسخ او به اظهارات برخی نمایندگان آمریکایی حاکی از بی‌اعتنایی نسبی تهران به انتقادات و اتهامات خارجی بود.

دیپلماسی

دعوت به مذاکره پس از ماشه!

سران کشورهای اروپایی می‌گویند: بازگشت تحریم‌های ایران به معنای پایان دیپلماسی نیست



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

شامگاه شنبه به وقت نیویورک، وبگاه رسمی شورای امنیت سازمان ملل به‌سرعت به‌روزرسانی شد تا خبر بازگشت تحریم‌ها علیه ایران را همزمان با اجرایی شدن رسمی آنها پوشش دهد؛ تحریم‌هایی که از ساعت ۲۰ به وقت نیویورک (۳:۳۰ بامداد به وقت تهران) بار دیگر اعمال شد و فصل تازه‌ای از تنش‌ها در روابط تهران و غرب گشود. بامداد یک‌شنبه تروئیکای اروپایی یعنی فرانسه، آلمان و بریتانیای بیابیه‌ای رسمی از تکمیل روند «اسنپک» و بازگشت قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت استقبال کردند و صراحتاً نام ۶ قطعنامه را برشمردند: ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (۲۰۱۰). آنها در بیابیه خود خواستار پایبندی کامل ایران را به همه کشورها به مفاد این قطعنامه‌ها شدند و بازگشت تحریم‌ها را نتیجه «نقض‌های مکرر برجام» از سوی تهران خواندند. سه کشور اروپایی در بیابیه‌ای که وبگاه وزارت خارجه آلمان آن را منتشر کرد، ایران را متهم کردند که از سال ۲۰۱۹ محدودیت‌های برجام را نادیده گرفته و اکنون ذخایر اورانیوم غنی شده‌اش را «۴۸ برابر سقف برجام» اعلام کردند؛ اتهامی که مقام‌های کشور آن را قویاً رد کرده‌اند. آنها گفتند پیش از فعال‌سازی اسنپک بارها تلاش کردند از طریق مذاکره، ایران را به بازگشت به پایبندی ترغیب کنند و حتی پیشنهاد تعدید محدود اسنپک را به‌عنوان اهرمی برای بازگشت به مذاکرات مستقیم با آمریکا مطرح کرده بودند. پیشنهادی که به ادعای آنها از سوی ایران پذیرفته نشد.

دیپلماسی را پایان یافته نمی‌دانیم

مقامات آلمانی، فرانسوی و بریتانیایی اعلام کردند که اولویت‌شان اجرای سریع تحریم‌های بازگشته است اما فوراً افزودند که بازگشت تحریم‌ها نباید به معنای پایان تلاش‌های دیپلماتیک باشد و آنها همچنان به دنبال راه‌حل سیاسی هستند؛ البته شرط این تداوم را «بازگشت ایران به تعهدات پادمانی و عدم تنش‌زایی» اعلام کردند. همزمان کابا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، تصریح کرد که بازگشت تحریم‌ها نباید پایانی بر دیپلماسی باشد و اتحادیه اروپا، آماده است به تلاش‌های دیپلماتیک ادامه دهد.

اقدام باطل اروپا از نگاه ایران

پاسخ رسمی تهران با تند و قاطعیت همراه بود. سیدعباس عراقچی وزیر امورخارجه، اقدام تروئیکای اروپایی را «سوءاستفاده از سازوکار برجام» خواند و تأکید کرد که سه کشور اروپایی و آمریکا به‌واسطه آنچه او «نقض تعهدات» آنها خواند، حق برای بازگرداندن تحریم‌ها ندارند. عراقچی یادآور شد که طبق متن قطعنامه ۲۲۳۱ این قطعنامه در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ (۲۶ مهر ۱۴۰۴) منقضی خواهد شد و بر این اساس «تحریم‌های لغو شده، نمی‌توانند دوباره اعمال شوند» و هر تلاش برای



اهمیت سفر لاریجانی را می‌توان در سه بُعد خلاصه کرد: اولاً اعلام حمایت صریح تهران از محور مقاومت در شرایطی که فشارها برای خلع سلاح حزب‌الله افزایش یافته؛ ثانیاً ارسال پیام‌های هشدارآمیز به بازیگران منطقه‌ای درباره هرگونه مداخله یا فشار بیرونی؛ و ثالثاً تقویت انسجام داخلی لبنان در برابر پروژه‌های اختلاف‌افکن دشمنان منطقه‌ای و فرانطقه‌ای. این سفر، به‌ویژه در مقطع پس از تحولات منطقه‌ای و تنش‌های اخیر، نشان‌دهنده عزم ایران برای حفظ نفوذ و حمایت از متحدان خود و نیز آمادebaش نسبت به هرگونه اقدام تهدیدآمیز علیه منافعی در منطقه بود.

خاورمیانه

خبرویژه ترامپ!

جنگ غزه پایان می‌یابد؟

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در پیامی در شبکه اجتماعی خود به نام «تروث سوشال» نوشت: «ما یک فرصت واقعی برای ایجاد عظمت در خاورمیانه داریم. همه برای چیزی ویژه آمده‌اند، برای اولین بار در تاریخ. ما این کار را انجام خواهیم داد». ترامپ این سخنان را با لحنی تأکیدی مطرح کرد و گرچه مقصود دقیق او از این اظهارات روشن نیست اما احتمالاً رئیس‌جمهور آمریکا به طرحی که اخیراً برای غزه مطرح کرده، اشاره دارد. پیش‌تر پایگاه خبری آکسیوس، گزارش داده بود که ترامپ به همراه «استیون ویتکاف» فرستاده کاخ سفید، در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل طرحی تازه برای پایان جنگ غزه ارائه و تأکید کرده‌اند که جنگ باید فوراً متوقف شود زیرا ادامه آن انزوای بیشتر رژیم صهیونیستی در عرصه بین‌المللی را به دنبال خواهد داشت. بر اساس این گزارش، طرح ترامپ شامل اصولی همچون آزادی تمامی اسرای باقی‌مانده، برقراری آتش‌بس دائمی، خروج تدریجی رژیم صهیونیستی از غزه، ایجاد سازوکار حکمرانی جدید بدون حضور حماس، تشکیل نیروی امنیتی متشکل از فلسطینی‌ها و نیروهای کشورهای عرب و مسلمان، تأمین مالی حکومت جدید غزه و بازسازی آن توسط کشورهای عربی و مسلمان خواهد بود. در همین حال واشنگتن‌پست نیز نوشت: پیشنهاد ترامپ برای پایان دادن به جنگ غزه همچنین با توقف فوری تمام عملیات نظامی در محل‌های خود، تثبیت «خطوط نبرد» و آزادی تمام زندانیان زنده، ظرف ۴۸ ساعت و تحویل اجساد بیش از ۲۰ نفر دیگر که گمان می‌رود کشته شده‌اند، آغاز می‌شود. طبق طرح ۲۱ ماده‌ای، تمام تسلیحات حماس نابود خواهد شد. به آن دسته از نیروهای حماس که «به همزیستی مسالمت‌آمیز متعهد شوند» عفو عمومی داده می‌شود. برای اعضای حماس که تصمیم به ترک فلسطین می‌گیرند، عبور امن به کشورهای دیگر تسهیل می‌شود. این در حالی است که نه اسرائیل و نه حماس با این طرح ۲۱ بندی که مقامات آمریکایی طی هفته گذشته در جلسات سطح بالای سازمان ملل با دولت‌های منطقه‌ای و متحدان به اشتراک گذاشتند، موافقت نکرده‌اند. انتظار می‌رود، دونالد ترامپ روز دوشنبه در دیدار با «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر این رژیم در کاخ سفید، او را ملزم کند که این طرح را بپذیرد.

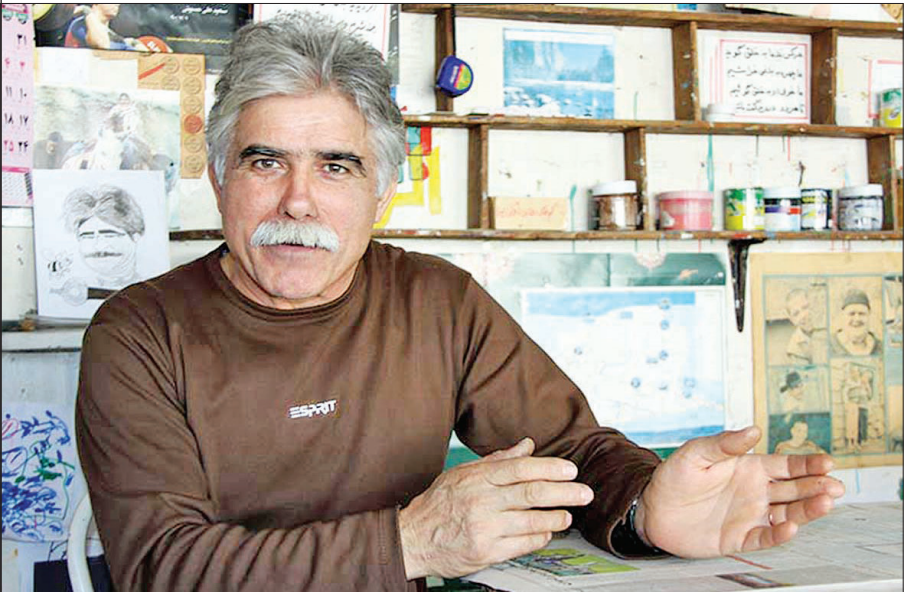


صفر» بود اما دامنه آن به‌سرعت گسترش یافت. به روایت علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی، غربی‌ها ابتدا بر توقف کامل غنی‌سازی پافشاری کردند. او یادآور می‌شود: «همان‌ها که در توافق قبلی امضا داده بودند، گفتند نیروگاه هسته‌ای در اختیار شما قرار می‌دهیم اما غنی‌سازی حق شما نیست». این تناقض، نشان‌دهنده رویکردی بود که از نگاه تهران نه بر اساس منطق فنی و حقوقی بلکه بر مبنای محدودسازی ظرفیت‌های ایران بنا شده بود. گام بعدی، ورود به موضوع توان موشکی ایران بود. غربی‌ها تأکید داشتند هرگونه مذاکره باید این حوزه را هم شامل شود. در حالی که تهران این مطالبه را بی‌ارتباط با پرونده هسته‌ای می‌دانست. در واقع، از نگاه مقامات کشور، روند مطالبات غربی‌ها نشان می‌داد که پس از غنی‌سازی و توان موشکی، نوبت به دیگر توانمندی‌های بومی کشور می‌رسد؛ فرآیندی که هیچ سیاستمدار ایرانی نمی‌توانست، آن را بپذیرد. به همین دلیل مسیر هرگونه توافق در سایه این زیاده‌خواهی‌ها بسته و بازگشت تحریم‌ها اجتناب‌ناپذیر شد. دبیر شورای عالی امنیت ملی در این باره تصریح می‌کند که ایران برای جلوگیری از ایجاد بهانه در افکار عمومی جهانی حتی برخی خواسته‌های غیرمنطقی غرب را بپذیرفت: «ما می‌دانستیم مذاکرات به نتیجه نمی‌رسد اما برای اینکه نگویند ایران مذاکره را رد کرده است، راه‌های مختلف را آزمودیم». این سخنان نشان می‌دهد که تهران تلاش داشت، تصویر کشوری غیرهمکار را از خود دور کند، هرچند نتیجه‌ای ملموس در پی نداشت. تحلیل این روند آشکار می‌کند که شکاف اصلی نه بر سر جزئیات فنی بلکه بر سر چارچوب کلی مطالبات بود. غربی‌ها تلاش داشتند، دایره محدودیت‌ها را به حوزه‌های فراتر از برنامه هسته‌ای بکشانند، در حالی که ایران چنین روندی را تهدیدی علیه استقلال و امنیت ملی می‌دانست. نتیجه این تقابل، بازگشت تحریم‌ها و تداوم بی‌اعتمادی متقابل بود.

گفتار

به فردوسی رأی دادم نه شهریار

به اعتقاد **اکبر اکسیر** فردوسی حافظ زبان ملی ماست



اکبر اکسیر می‌گوید روزی که می‌خواستند شاعر ملی انتخاب کنند، به فردوسی رأی داده و گفته فردوسی شاعر ملی و حافظ زبان ماست اما شهریار شاعر محلی و بومی است و نباید او را شاعر ملی بخوانیم.

این شاعر طنزپرداز نام‌آشنای ایرانی و بنیان‌گذار سبک «فرانو» در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر از انتشارات فعال خود در آستارا، جدیدترین کتاب طنز خود «خندیدن به افق محلی»، نگاهش به فضای مجازی و داستان پشت عکس کودکی‌اش با معدل ۱۰/۲۵ که اخیراً در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد، پرده برداشت و بار دیگر نشان داد، طنز برای او نه فقط خنده که شرافت قلم و تجربه زندگی است. مجموعه شعر «در سوگ سپیداران» شعرهای پیش از انقلاب، «بفرمائید بنشینید صندلی عزیز»، گزیده غزلیات میزا محمدرحیم طایر آستارایی با نام «طایر خیال»، «زنبورهای عسل دیابت گرفته‌اند»، «من هارا شورا هارا» شامل اشعار طنز ترکی و ترجمه به فارسی، «پسته لال سکوت دندان‌شکن است» سومین آلبوم شعر فرانو و «شعرهای گاوی»، مشترک با ابوالقاسم تقوایی از جمله کتاب‌های اکبر اکسیر است.

با توجه به اینکه اکبر اکسیر با زبان ترکی آستارایی آشنایی دارد و تجربه کار طنز در این زبان را هم داشته‌اید، درباره این‌که چرا تاکنون شعر ترکی منتشر نکرده، می‌گوید: «شعر ترکی دارای اصطلاحات خاص خود است و معروف‌ترین نمونه‌هایش آثار استاد شهریار است. حتی روزی که می‌خواستند شاعر ملی انتخاب کنند، من به فردوسی رأی دادم و گفتم فردوسی شاعر ملی ماست و شهریار شاعر محلی و بومی. در بین شاعران بومی، شهریار واقعاً شهریار شعر است اما اگر او را شاعر ملی بخوانیم، اشتباه است چراکه حافظ زبان ملی ما فردوسی است. اگر من با لهجه آستارایی و ترکی آستارایی شعر بگویم، شعر جدی از آن ساخته نمی‌شود چون بیشتر اشعار این لهجه باید طنز داشته باشند و برای خنداندن مخاطب به کار روند. من هم تاکنون یکی دو کتاب در این زمینه چاپ کرده‌ام، در سطح آستارا، یا شعرهایی که برای مناسبت‌های مختلف به‌صورت ترانه بوده‌اند که آن هم فقط برای شوخی است. خیلی کم پیش آمده که یکی دو بیت شعر جدی داشته باشم. اکثر بچه‌های آذربایجان، اطراف اردبیل و خود اردبیل، خیلی خوب به این مقوله پرداخته‌اند و من واقعا از دیدن کارهای متین و پربارشان لذت می‌برم. اما ما میان رشت و اردبیل گیر کرده‌ایم؛ نه ترک ترکی هستیم، نه گیلکی. بعضی‌ها آمدند گفتند «آقا شما تالشی هستید»، در حالی که ما تالشی نیستیم. اصلاً آستارا خودش یک جزیره مستقل است.»

وقتی ازدواج می‌کنند، طنز را کنار می‌گذارند

اکسیر درباره این‌که چگونه می‌توان استعدادهای جوان را در مسیر طنز و در راستای تربیت یک طنزپرداز واقعی راهنمایی کرد، می‌گوید: «من از سال ۵۷ اولین انجمن ادبی را در آستارا بنیان گذاشتم. بچه‌هایی که آن‌جا بودند، فراخوان دادیم، به در خانه‌شان رفتیم و دعوت‌شان کردیم. تعدادشان زیاد نبود؛ اوایل انقلاب فقط چند پیرمرد بودند که شعرهای معمولی می‌گفتند اما بعدها که در حلقه فرانو و در کارگاه هنری خودم کار را ادامه دادم، شاعران بسیار خوبی معرفی شدند. الان

هر کدام برای خودشان استادی هستند که دیگر مرا قبول ندارند و من آن‌قدر خوشحالم که شاگردان به حدی برسند که استادشان را قبول نداشته باشند! این وحشتناک خوب است. اولاً باید کلاس باشد؛ استادانی بیایند و کارگاه‌های شعر طنز هفتگی برگزار شود. این روش واقعاً جواب می‌دهد. مثلاً هفته‌ای یک‌بار جمع شوند، یک استاد بیاید و شگردهای طنزنویسی را آموزش دهد و بعد اخلاق اصیل طنز و شرافت طنز را به‌عنوان دیکته به آن‌ها بیاموزد تا بفهمند که به هر روش خنداندن اصلاً خوب نیست. این است که ما می‌توانیم طنزپردازهای خوبی در جامعه داشته باشیم. الان طنزپرداز زیاد داریم ولی چون مدیریت نمی‌شوند، اکثراً تعطیل می‌کنند یا وقتی ازدواج می‌کنند، طنز را کنار می‌گذارند. می‌دانیم برای یک طنزپرداز واقعی یک دوست حقیقی پیدا نمی‌شود. همه دوستان، فامیل‌ها، حتی همسر طنزپرداز، از او روگردان می‌شوند چون در طنز حرف‌هایی می‌زند که هیچ‌کس، چون حرف راست است، نمی‌پسندد. خدا مایحه مرا حفظ کند که به تمام طنزهای من خندیده، آن هم چندین بار. و من هم با این‌که گفتم، طنزهایم خنده‌دار نیست و کار من از گر به گذشته است؛ بدان می‌خندم ولی باز هم تشویق می‌کند.»

فقط یک شوخی بود

اکبر اکسیر درباره اجرای بریده روزنامه و عکس کودکی او که معدلش را ۱۰/۲۵ نشان داده، می‌گوید: «ماجرای آن بریده روزنامه که در فضای مجازی منتشر شد و عکس کودکی که زیرش نوشته بودند «اکبر اکسیر، معدل ۱۰، تبریک» این است که سال ۱۳۶۹ یک روز با ملیحه نشسته بودم و گفتم چرا عروس خانم داشت رفته بالا؟ او گفت «امین نوام ۱۹/۷۵ گرفته. چرا ۲۰ نگرفته؟ فته که با مدیر دعوا کند! به ملیحه گفتم: بیا یک کاری بکنیم. تو به‌عنوان مادر من عکسی از کودکی‌ام را به روزنامه بفرست و برای معدل ۱۰/۲۵ به من تبریک بگو.» ملیحه موافقت کرد. من هم از زبان ملیحه نوشتم: «فرزند دلبندم اکبر اکسیر، با معدل ۱۰/۲۵ شاگرد اول کلاس اول.» و به روزنامه محلی دادم و آن را چاپ کردند. عکس هم در کنار پدربزرگم بودم؛ آن را هم پریدم و چسباندم. در عکس، من حدود شش یا هفت ساله بودم و یقه سفید می‌پوشیدیم. این معصومیت و آن کلمات نوستالژیک باعث شد همه با آن ارتباط خوبی برقرار کنند. عکس و متن دست به دست گشت. یکی گفت آقای در کاشان این را گذاشته، یکی در کرمان و دیگری در فلان شهر. آخرین بار هم شنیدم که پسر آقای آهنگران گفته: «وقتی معدل آقای اکسیر را می‌بینم، به نظرم برخی وزرای دولت‌های پیشین همین معدل را دارند!» این ماجرا آن‌قدر جذاب شد که حتی فرماندار آستارا هم برایم فرستاد. بله این ماجرا فقط یک شوخی بود. بعضی خانواده‌ها حساسیت بیش از حد داشتند و می‌پرسیدند چرا بچه من ۲۵ صدم کم گرفته، ما اما برعکس، به این افتخار می‌کردیم. خیلی‌ها به من مراجعه کردند و گفتند «تو رو خدا، معدلت همین است؟» گفتم: بله، ما ۲۰ یا ۳۰ نفر در یک کلاس بودیم، نصف قبول شدند، نصف دیگر رد شدند و فقط من و یکی دو نفر از دوستان قبول شدیم. هیچ‌کدام واقعاً مهم نبود.»

مشکله شکاف زبانی

روایت **نسرین پرویزی** معاون واژه‌گزینی فرهنگستان زبان

از فرآیند واژه‌سازی‌ها و پذیرش یا عدم پذیرش‌شان

(رئیس فرهنگستان) مطرح کرده بودند که شبیه «کلوچه» است و مشکلی در تلفظش نیست و «کروچه» به معنایی چیزی که در دهان ترد و شکننده است. اگر از ما می‌پرسیدند، می‌گفتم دست نگه دارید چون احتمالاً تجدیدنظر خواهد شد. زمانی که چنین اتفاقی می‌افتد، باب تمسخر باز می‌شود و مردم ارتباطی که باید با واژه برقرار کنند، نمی‌کنند، چون می‌شود بازیچه در دست کسانی که روی خوشی به فرهنگستان ندارند.»

نقش رسانه‌ها در جا افتادن معادل‌ها

او با اشاره به نقش رسانه‌ها در جا افتادن معادل‌ها و واژه‌های تازه، گفت: «واژه‌های مصوب فرهنگستان به نوعی حکم قانونی دارد و برای استفاده ابلاغ می‌شود. البته این واژه‌ها سه سال به صورت آزمایشی هستند، یعنی هر واژه‌ای که به تصویب فرهنگستان می‌رسد، سه سال آزمایشی است. خیلی خوب است که رسانه‌ها این مصوبه‌ها را به کار ببرند تا بازخوردهای مردم را ببینیم و بدانیم این واژه‌ها در بافت عادی و طبیعی زبان چگونه به کار می‌رود. درست است که واژه بعد از سه سال قطعی می‌شود اما زبان قطعیت ندارد زیرا در هر زمان چیزی در جامعه مطرح است و با فلان واژه‌ای که تصویب شده، تضاد یا اشتراکی دارد بنابراین باید در آن واژه قبلی تجدیدنظر کنیم، کاری که خودمان هرازگاهی انجام می‌دهیم؛ مثلاً واژه «بوفه» (کمدی که در گوشه‌ای از خانه می‌گذارند) آن زمان که واژه‌گزینی می‌کردیم که ابتدای راه واژه‌گزینی در فرهنگستان بود، سال ۷۵-۷۶، ما «چینی‌جا» را برای آن مصوب کردیم اما در آن زمان توجه نکردیم که «چینی‌جا» بافت قدیمی دارد ولی «بوفه» که مردم می‌خرند و می‌خواهند استفاده کنند، مدرن‌تر است بنابراین باید واژه مقداری نوین‌تر و مدرن‌تر باشد و مردم بتوانند از آن استفاده کنند. زمانی که ما می‌گوییم «چینی‌جا» طبیعتاً خانواده‌ای که چند میلیون هزینه کرده و پول «بوفه» می‌دهد، دیگر اسمش را «چینی‌جا» نمی‌گذارد و می‌خواهد بگوید «بوفه» خریدیم. در فرهنگستان در زمینه واژه‌گزینی مقداری ورزیده‌تر شده‌ایم و ممکن است، تجدیدنظر کنیم.»

معاون گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به افزایش استفاده از واژه‌های بیگانه می‌گوید: «نسل حاضر رسماً دیگر فارسی حرف نمی‌زند. متأسفانه این موضوع تفاخر شده و باید جای این تفاخر را عوض کنیم. باید به ملیت خودشان فخر بفروشند نه به ملیت بیگانه.»

تمسخر واژه‌گزینی عامل واگرایی

نسرین پرویزی در گفت‌وگو با ایسنا درباره پیوست رسانه‌ای واژه‌های مصوب فرهنگستان با توجه به اینکه در گفت‌وگویی گفته بود «رسانه‌ها بعد از مدتی سراغ واژه‌های مصوب می‌روند و این امر به جای کمک به جا افتادن واژه‌ها، مسیر دیگری را در مقابل آن‌ها قرار می‌دهد و دستمایه طنز می‌شود»، اظهار کرد: «طبیعی است که واژه‌گزینی در فرهنگستان بدون کمک رسانه‌ها و نهادهای دولتی نمی‌تواند پیش برود زیرا این واژه‌ها باید به کار گرفته شوند تا مردم به آن‌ها عادت کنند. زمانی که یک واژه را انتخاب می‌کنند و گاه به تمسخر در بافت‌های غیرمعمول می‌برند، یک چیز خنده‌داری از آب درمی‌آید. اگر شما هم واژه‌های فیزیک را در بافت غیرمعمول ببرید، طبیعتاً چیز جالبی نمی‌شود و مردم متوجه مطلب نشده و آن را به مسخره می‌گیرند اما زمانی که این واژه‌ها در بافت خود به کار برود یا در مجموعه خوشه‌واژه که بررسی شده به کار برود، مسیر دیگری را طی خواهد کرد.» معاون فرهنگستان با تأکید بر این‌که بیرون آمدن یک واژه از مجموعه واژه‌ها مسأله‌شان است، تصریح کرد: «این واژه‌ها مطرح می‌شود بدون این‌که کسی فکر کند ممکن است واژه را عوض کنیم یا نکنیم و از طرف دیگر متأسفانه ارتباط نزدیکی با رسانه‌ها نیست. خوب است اگر نشریه‌ای می‌خواهد واژه‌ای را منتشر کند از ما درباره آن سؤال کند که واژه مشکلی ندارد یا می‌خواهید تجدیدنظر کنید یا نه؟ این را از این جهت می‌گویم که خیلی وقت‌ها مثلاً در کتاب اول‌مان، واژه‌ای آمده اما در کتاب دوازدهم یا شانزدهم تجدیدنظر کرده‌ایم. از ما سؤال نمی‌شود. مثلاً «کروچنده» را تصمیم گرفته بودیم، بگویم «کروچی» که آقای دکتر سامعی پیشنهاد دادند یا «کروچه» پیشنهادی که دکتر حدادعادل

سینمای جهان

تصویری عریان از جنگ

جنگاوری براساس **تجربه واقعی** کارگردانش ساخته شده است

در واقع انگار قرار نیست، تماشاگر با یکی از شخصیت‌ها درگیر شده یا او همذات‌پنداری کند و یا او را به خاطر سپارد. کارگردانان تلاش کردند یک موقعیت به شدت واقعی و پرتنش را در فیلم ایجاد کنند و تصویری واقعی از گوشه‌ای از جنگ را نشان دهند که همراه با شکست و ناکامی است و تلخی‌ها و دشواری‌های آن را به تصویر

«جنگاوری» فیلم جنگی محصول سال ۲۰۲۵ به نویسندگی و کارگردانی ری مندوزا و الکس گارلند است. این فیلم جنگی که بر اساس یک داستان واقعی ساخته شده است، داستان یک گروه پشتیبانی از سربازان آمریکایی را روایت می‌کند که در سال ۲۰۰۶ در شهر رمادی عراق در یک خانه دو طبقه مستقر می‌شوند. اما همه چیز کاملاً خلاف پیش‌بینی‌ها پیش می‌رود، موقعیت‌شان لو می‌رود و وارد یک نبرد مرگ و زندگی با نیروهای دشمن می‌شوند. این فیلم براساس تجربیات مندوزا در طول جنگ عراق به عنوان سرباز یگان ویژه نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا ساخته شده و گوشه‌ای از نبرد رمادی را به تصویر می‌کشد که او و جوخه‌اش تجربه کردند.

«جنگاوری» تلاش دارد، تصویری وقع‌گرایانه از جنگ و نبرد در خط مقدم جبهه نمایش دهد. از همان ابتدا که نوشته‌ای ظاهر می‌شود و اعلام می‌کند که به تماشای خاطرات به تصویر درآمده عده‌ای کهنه سرباز خواهیم نشست این تأکید بر واقعی بودن همه چیز قوت می‌گیرد. شیوه فیلمبرداری و طراحی صحنه و صدا همه بر واقعی بودن داستان تأکید دارد. دوربین متحرک فیلم‌سازان در تمام مدت در حال نمایش تنش‌هایی است که نه تنها در اتمسفر بلکه در حرکات و چهره‌های سربازان هم به خوبی نمایان است. دوربین روی دست که با سربازان همراه می‌شود هم به این واقع‌گرایی کمک می‌کند.

این فیلم در ژانر اکشن، درام و جنگی به صورت مشترک توسط ایالات متحده و انگلستان تولید شده است. از بازیگران فیلم می‌توان به ویل پوِلتر، کاسمو جارویس، جوزف کوثین، کیت کانر، فین بنت، نوآ آسنتنیو و مایکل گاندولفینی و چندی دیگر اشاره کرد که با ایفای نقش‌های خود به خوبی توانسته‌اند به واقع‌گرایی اثر کمک کنند.

فیلم براساس ایجاد یک موقعیت جنگی پرتنش شکل گرفته و در آن خبری از شخصیت‌پردازای‌های مرسوم در فیلم‌های جنگی نیست.



استارنت کنسل

عدم انتشار دو سریال نشان از تعطیلی پلتفرم تازه‌کار دارد

صفحه دیگر حرفی برای گفتن ندارد و سکوت را به هر توضیحی ترجیح می‌دهد.

این پلتفرم از آغاز توانست پخش منظمی داشته باشد و دو سریال «کنکل» و «جزر و مد» با توقف پخش و یا تعویق انتشار مواجه شدند. با اینکه در آغاز این‌طور به نظر می‌رسید که پلتفرم استارنت با مدیریت برادران آقا گلپان و حمایت مالی گروه میهن قصد داشت، حضوری پر قدرت در بازار داشته باشد و با ایده اشتراک رایگان و جذب آگهی، روی دست رقبا بلند شود اما در همان ابتدای کار وارد بحران شد. این اتفاق در انتظار دیگر هم به سرنوش‌ت استارنت دچار و به‌زودی چند پلتفرم دیگر هم به سرنوش‌ت استارنت دچار خواهد شد. همان‌طور که پیش از این چارخونه هم به این پایان رسیده بود. شهریورماه اخباری مبنی بر تغییر و تحول در روند آماده‌سازی پلتفرم وی‌اودی «آی‌نت» منتشر شد که هنوز به صورت رسمی آغاز به کار نکرده بود. این پلتفرم یکی از سرویس‌هایی به شمار می‌رفت که گفته می‌شد، قرار است در ماه‌های آینده با انتشار دو سریال جدید «بی‌عاطفه» و «زرافه» به ناوگان صنعت نمایش خانگی اضافه شود. این در حالی است که شنیده می‌شود، مذاکرات برای فروش دو سریال یاد شده به پلتفرم‌های فعال بازار وی‌اودی آغاز شده؛ امری که می‌تواند حتی نشانه‌ای بر توقف فعالیت‌های «آی‌نت» باشد. پیش‌تر برخی دیگر از سرویس‌های جدید وی‌اودی نیز قبل از راه‌اندازی رسمی با تعطیلی مواجه شده بودند که از جمله آنها می‌توان به دو پلتفرم «پلی» و «ایما» اشاره کرد. این در حالی است که بعضی دیگر از پلتفرم‌های جدید هم اوضاع چندان مساعدی ندارند. پلتفرم شیدا که با مجموعه «آبان» سروصدای فراوانی به راه انداخته بود پس از پایان این سریال با کمبود محتوا مواجه شد و در نهایت، حقوق پخش مشترک دو مجموعه «اجل معلق» متعلق به فیلم‌نت و «شکارگاه» متعلق به فیلمو را در آستانه انتشار خریداری کرد. شیدا هم‌اکنون تنها یک کم‌دی ماورایی به صورت مشترک در حال پخش دارد که نمی‌تواند، کاربران زیادی را برای خریداری اشتراک آن ترغیب کند. این پلتفرم که با پشتوانه مالی یکی از بانک‌ها فعالیت می‌کند برای ماه‌های آینده یکی، دو سریال و برنامه ترکیبی معرفی کرده که البته هنوز از زمان دقیق پخش آنها خبری در دست نیست. مشابه این اتفاق برای پلتفرم نیراس، متعلق به یکی از تهیه‌کنندگان سینما نیز رخ داد که تنها سریال «شغال» مشترک با فیلمو را در اختیار دارد و در غیبت دیگر محتواهای اختصاصی، خریداری اشتراک آن از جذابیت زیادی برای کاربران برخوردار نیست. نماوا هم که مدت‌هاست به صورت کیچ‌دارومیز فعالیت دارد احتمالا در آینده‌ای نزدیک به سرنوش‌تی نظیر این پلتفرم‌ها دچار خواهد شد و تنها می‌تواند به صورت اشتراکی به پخش و انتشار برخی از سریال‌ها بپردازد. این سرنوش‌ت در انتظار مدیران پلتفرم‌هایی است که تصور می‌کنند، می‌توانند با تولید محتوای محدود و فروش اشتراک یا تبلیغات در شبکه نمایش خانگی، فعالیت داشته باشند و با ساد‌ه‌انگاری، این کار را فعالیت پرسود و با سرمایه‌ای محدود و بی‌زحمت می‌دانند.

دومین مجموعه در حال پخش پلتفرم استارنت متوقف شد تا این سرویس، محتوای جدیدی برای انتشار نداشته باشد. در حالی که از اوایل شهریور ماه پخش قسمت‌های جدید مجموعه نمایش خانگی «کنکل» در پلتفرم استارنت به حالت تعلیق درآمده بود، در هفته گذشته مجموعه «جزر و مد» نیز به انتشار نرسید تا این پلتفرم فاقد محتوای اختصاصی جدید باشد.

در شرایطی که مدتی پیش توقف تولید این سریال تکذیب شده بود، پیگیری ایسنا از عوامل دست‌اندرکار نشان می‌دهد «جزر و مد» اگرچه تا چند قسمت آینده تولید شده و در اختیار پلتفرم قرار دارد اما تولید سریال طی حدود دو یا سه ماه گذشته متوقف بوده تا دستمزدها پرداخت شود و کار ادامه پیدا کند که این اتفاق هنوز نیفتاده است. گفته می‌شود، بازیگران و عوامل فعلا صبر کرده‌اند و منتظر حل شدن مشکل هستند و به پروژه‌های دیگر نبیوسته‌اند. پلتفرم به آنها وعده داده که به‌زودی مسائل به وجود آمده، حل خواهد شد.

در شرایطی که صفحه خروجی پلتفرم در موع‌د انتشار قسمت چهاردهم «کنکل» پخش نشدن این اثر را «اصلاحات فنی و محتوایی» معرفی کرده بود، در روزهای گذشته خروجی این پلتفرم و صفحات اجتماعی آن واکنشی به توقف پخش سریال «جزر و مد» نداشته و اطلاع‌رسانی جدیدی نیز درباره «کنکل» صورت نگرفته است. این اتفاق با مخالفت تماشاگران هر دو سریال مواجه شده که نظرات منفی فراوانی را در صفحه رسمی پلتفرم استارنت ثبت کرده‌اند. در حالی که پست‌های صفحه این پلتفرم به طور معمول کمتر از ۳۰۰ کامنت دارند، پای پست آخر این صفحه که ویدیویی از قسمت بیست‌وسوم مجموعه «جزر و مد» است، حدود ۱۲۰۰ کامنت ثبت شده که اغلب آنها به پخش نشدن این دو اثر اشاره دارد. استارنت تاکنون انتشار همین دو سریال را کلید زده که در حال حاضر هر دو متوقف هستند. مجموعه «کنکل» در قسمت‌های پایانی قرار دارد اما مجموعه «جزر و مد» که ۴۲ قسمتی معرفی شده تاکنون به نیمه رسیده و نزدیک به ۲۰ قسمت تا پایان فاصله دارد. پیش از این هم این پلتفرم با تعویق و یا به تاخیر افتادن پخش این دو سریال مواجه شده بود که هر بار با وجود نشر اخباری در رسانه‌ها مبنی بر مشکلات مالی استارنت، مسوولان این پلتفرم اعلام می‌کردند که چنین مشکلی وجود ندارد و تنها اشکالات فنی، باعث به تعویق افتادن پخش سریال‌ها شده است.

ادمین صفحه اینستاگرامی استارنت تا همین چند وقت پیش در پاسخ به سوالات مخاطبان در بخش کامنت‌های این صفحه درباره ایسن‌وقعه‌ها، توضیحاتی از این دست می‌داد: «خبر متوقف شدن پروژه‌ها به دلیل مشکلات مالی درست نیست»، «خیالتان راحت سریال پخش می‌شود»، «مشکلی برای پخش منظم بقیه قسمت‌ها نیست»، «قسمت نهم «کنکل» با توجه به مشکلات دو هفته قبل امکان پخش نداشت. همه کسب‌وکارها از جمله ما با شرایط سختی مواجه شده بود و امیدواریم، قابل درک باشد». و... اما حالا انکار به دلیل جدی شدن مشکلات مالی، ادمین



پذیرش واژه‌های کاربردی

نسرین پرویزی با بیان این‌که اگر واژه‌ها در نوشتار و گفتار بیایند مردم آن‌ها را به کار می‌برند، افزود: «پیامک و رایانه راحت جا افتادند زیرا این واژه‌ها کاربرد دولتی پیدا کردند و به‌وسیله صداوسیما و این‌ور و آن‌ور اعلام شد که مثلاً «پارانه خود را دریافت کنید» و این موضوع باعث شد، مردم پارانه را حفظ کرده و آن را بپذیرند و ی‌ا «پیامک» را به هر زوری بود، بپذیرفتند. با توجه به طول مدتی که واژه‌ها را تصویب کرده بودیم، زمان برد تا به کار ببرند. به هر حال تا زمانی که واژه‌ها به کار نرفت، جا نیفتاد.» معاون فرهنگستان زبان و ادب فارسی با بیان این‌که هر واژه‌ای که انتخاب می‌کنیم، برای نسل بعد است، توضیح داد: «واژه‌های مصوب برای نسل آینده مسلماً بهتر جواب‌گو خواهد بود زیرا خودمان به برخی از واژه‌ها عادت کرده و یکی در میان استفاده می‌کنیم؛ مثلاً ممکن است یک بار بگوییم «فکس» و بار دیگر «دورنگار» استفاده کنیم، یا یک‌جا بگوییم «ایمیل» و در جای دیگری بگوییم «رایانامه» یا هر واژه دیگری. ما باید عادت‌های خود را کنار بگذاریم.»

شکاف زبانی

پرویزی دربارهٔ این‌که شاهد شکاف زبانی در میان نسل جدید هستیم و نسل جدیدتر در گفتار خود بیشتر از واژه‌های بیگانه استفاده می‌کند درحالی‌که به گفتهٔ او واژه‌های فرهنگستان برای نسل‌های جدیدتر است و آیا با این وجود به‌نظرش نسل جدید می‌پذیرد از این واژه‌ها استفاده کند، توضیح داد: «اگر این واژه‌ها در متون وارد شود، طبیعتاً آن‌ها را به کار می‌برند؛ مثال بارز آن واژه‌های زبان‌شناسی است که شما‌ها در کتاب‌های درسی خوانده‌اید، واژه‌هایی مانند «واج» و «واج‌گونه» و «واکه» و... در کتاب‌های درسی آمده و دانش‌آموز این‌ها را حفظ می‌کند بدون این‌که بداند واژه فارسی است یا نه، همان‌طور که «میتوکندری» را حفظ می‌کند. واژه‌ها چه بیگانه چه فارسی اگر وارد کتاب درسی شود به کار می‌رود. نسل‌ها عوض می‌شوند و هر کدام زبان خود را می‌آورند، در دوره ما هم زبان‌هایی بود و سیدمهدی سمائی کتاب «فرهنگ لغات زبان مخفی» را نوشت. زبان مخفی در دورهٔ ما به‌گونه‌ای بود و در نسل زد (Z) یک‌جور دیگر است. متأسفانه کاربرد واژه‌های بیگانه بسیار زیاد شده و این را قبول دارم که شاید بتوانیم با همهٔ این‌ها مقابله کنیم ولی باید کار فرهنگی کرد.

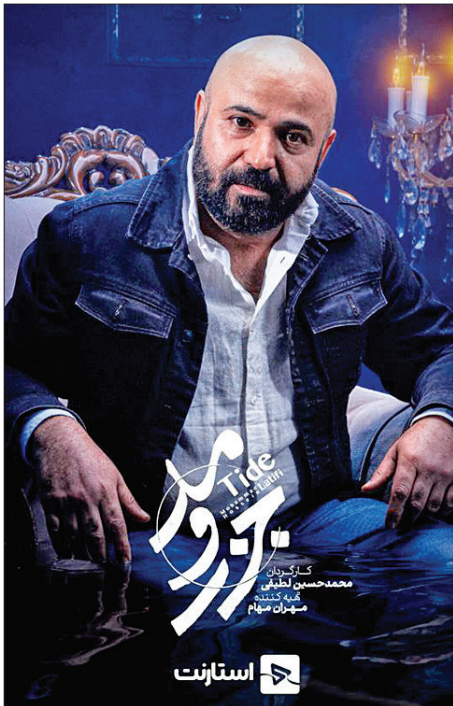
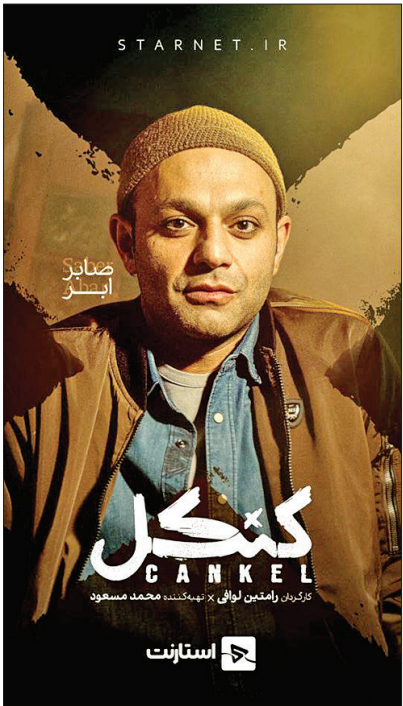
مخاطب را مستقیماً در هرج‌ومرج و وحشت جنگ غوطه‌ور می‌کنند. این انتخاب، تجربه‌ای نزدیک به مستند ایجاد می‌کند که مشابه آثار کلاسیک ضدجنگ است. فقدان موسیقی باعث می‌شود، صداهای محیطی مثل شلیک گلوله، فریاد سربازان و انفجارها به تهنایی بار احساسی و وحشت صحنه‌ها را منتقل کنند.

برخلاف بسیاری از فیلم‌های جنگی که داستان‌های تخیلی با پیش از حد دراماتیزه ارائه می‌دهند، «جنگاوری» به واقعیت‌های میدانی جنگ وفادار است. مندوزا که خود در نبرد رمادی حضور داشته، جزئیاتی را به فیلمنامه اضافه کرده که واقع‌گرایی را تقویت می‌کند، از نحوه تعامل سربازان با یکدیگر تا تصمیم‌گیری‌های تاکتیکی تحت فشار. این فیلم تصویری مشابه از آنچه کاترین بیگلر در «صندوچه درد» ارائه داد را به نمایش می‌گذارد. فیلمی که موفق به دریافت اسکار بهترین فیلم، فیلمنامه و کارگردانی در سال ۲۰۱۰ شد. داستان فیلم بیگلر هم در عراق رخ می‌داد و بیش از اینکه بر دارماتیزه کردن رخدادی جنگی تکیه کند بر واقعی بودن اتفاقات و مصائبی که بر سربازان پیش می‌آمد، تاکید داشت. مندوزا و گارلند هم با همین هدف، داستان خود را جلو دوربین برده‌اند. نیمی از فیلم، موقعیتی را به تصویر می‌کشد که در آن سربازان کار زیادی انجام نمی‌دهند. آنها تنها در انتظار اتفاقی هستند که قرار است بر سر آنها آوار شده و به شکست منتهی شود. «جنگاوری» در واقع تصویری است که جنگ بر سر سربازان آمریکایی می‌آورد. فیلم‌سازان می‌دانند که نبرد زیر آتش سنگین دشمن جایی برای احساسات‌گرایی باقی نمی‌گذارد و برای زنده ماندن باید تا پای جان مبارزه کرد و فیلم هم همین را به مخاطبش نشان می‌دهد.

این نوع موقعیت‌سازی، پیام ضدجنگ فیلم را از شعارزدگی دور می‌کند چراکه به جای سخنرانی‌های اخلاقی، واقعیت‌های تلخ جنگ را از زاویه دید یک سرباز نشان می‌دهد. روایت فیلم از تمرکز بیش از حد بر قهرمان‌پروری یا دشمن‌سازی اغراق‌آمیز پرهیز می‌کند. نیروهای عراقی در فیلم نه به عنوان هیولا‌های یک بعدی بلکه به عنوان تهدیداتی واقعی اما گمنام به تصویر کشیده شده‌اند.

«جنگاوری» فیلم تحسین شده از سوی منتقدان است که تصویری واقعی از جنگ و آنچه بر سر ارتش آمریکا در عراق آمد، ارائه می‌دهد و رویکردی انتقادی به نقش آمریکا در جنگ‌های خارجی و رفتار نیروهای نظامی‌اش دارد.

کشند. در واقع مندوزا می‌خواهد یک نگاه کاملاً واقعی به جنگ و یک نبرد شکست خورده در فیلم «جنگاوری» را داشته باشد. اما پس از یک معرفی و آشنایی کوتاه با شخصیت‌های فیلم به سرعت وارد یک عملیات در کوچه‌های رمادی می‌شوند که این عملیات خیلی زود به یک جهنم برای آنها تبدیل خواهد شد. تماشاگر ابتدا تصور می‌کند که قرار است شاهد تلاش قهرمانانه این سربازان باشد و فیلم نگاهی حماسی به این اتفاق خواهد داشت. اما واقعیت این است که فیلم فقط می‌خواهد، شما را با خود وارد یک جهنم کند تا درک بهتری از چنین عملیاتی داشته باشید. از همان ابتدا که نوشته‌ای ظاهر می‌شود و اعلام می‌کند که به تماشای خاطرات به تصویر درآمده عده‌ای کهنه‌سرباز خواهیم نشست این تاکید بر واقعی بودن همه چیز قوت می‌گیرد. گارلند و مندوزا با حذف موسیقی پس‌زمینه، که معمولاً در فیلم‌های جنگی برای برانگیختن احساسات استفاده می‌شود،





بازار سهام

دومین روز خوشی

بازارها به کدام سمت و سو می‌روند؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بورس تهران برای دومین روز متوالی در مسیر صعودی حرکت کرد. این درحالی است که بازارهای رقیب با اصلاح نسبی قیمت‌ها همراه بودند.
نماگر اصلی بازار سهام در روز یک‌شنبه با افزایش ۲/۴ درصدی وارد کانال دو میلیون و ۶۰۰ هزار واحد شد.

دیروز بازار سهام شاهد موج جدیدی از تقاضا بود و مبلغی به میزان ۲ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان پول از سوی سهامداران حقیقی، وارد گردونه معاملات سهامی شد. به این ترتیب رکورد ۸۳ روزه ورود پول حقیقی شکسته شد. بسیاری از کارشناسان معتقدند؛ با توجه به جاماندگی بورس تهران از بازارهای موازی بدیهی است که بورس به دنبال جبران بازدهی خود باشد.

شخص کل بورس در روز یک‌شنبه با رشد بیش از ۲/۴ درصدی بیشترین نوسان روزانه را از ابتدای اردیبهشت امسال به ثبت رساند. این نماگر طی این دو روز گذشته گام‌هایی رو به جلو برداشته است. شاخص هموزن نیز با رشد ۱/۸۶ درصد همگام با دماسنج اصلی بورس، تحرکات صعودی را نشان داد. ضمن آنکه اصلاح نسبی قیمت‌ها در بازار ارز که نرخ هر برگ اسکناس آمریکایی را به کانال ۱۱۰ هزار تومان رسانده، موجب شده است تا رکورد ورود پول به بازار سهام شکسته شود. بورس تهران در روز یک‌شنبه میزبان ۲ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان پول حقیقی بود که در ۸۳ روز معاملاتی اخیر سابقه نداشت. با این حال همچنان برخی از فعالان بورسی، تداوم استقبال حقیقی‌ها از بورس را در گرو تغییر برخی از عوامل اقتصادی و بنیادی می‌دانند. دلار در بازار آزاد که تحت تاثیر اخبار و انتظارات تورمی ایجادشده ناشی از بازگشت تحریم‌ها، به قله تاریخی رسیده است؛ در معاملات روز گذشته در سطح ۱۱۲ هزار و ۸۰۰ تومان کار خود را به اتمام رساند. دلار معاملات روز جاری را در سطح ۱۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان آغاز کرد و در ادامه با افزایش عرضه‌ها عقب‌نشینی کرد و به کانال ۱۱۰ هزار تومان رسید. هر گرم طلای ۱۸ عیار در کانال ۱۰ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان مورد معامله قرار گرفت و سکه امامی هم در کانال ۱۰۸ میلیون تومان میان خریداران و فروشندگان دست به دست شد. چشم‌انداز بورس تهران به شدت به عوامل کلان اقتصادی و سیاسی وابسته است. از یک‌سو، تورم مزمن، رشد نقدینگی و نبود گزینه‌های جایگزین مطمئن برای سرمایه‌گذاری، جریان نقدینگی را به سمت بازار سهام سوق می‌دهد و می‌تواند، محرکی برای رشد آسمی شاخص‌ها باشد. از سوی دیگر، محدودیت‌های ساختاری بازار مانند عمق کم، وابستگی شدید به صنایع کالایی و دولتی، نبود شفافیت کافی و تغییرات مکرر در مقررات، ریسک سرمایه‌گذاران را بالا می‌برد. تحریم‌های خارجی و وضعیت مبادلات ارزی نیز به‌طور مستقیم بر صنایع بزرگ بورسی اثرگذارند و هر نوسان در نرخ ارز یا سیاست‌های تجاری به سرعت در قیمت سهام منعکس می‌شود. در کوتاهمدت بورس تهران بیشتر از انتظارات تورمی و نرخ ارز اثر می‌گیرد و رشد آن بیشتر جنبه جبرانی دارد تا توسعه‌ای. در میان‌مدت و بلندمدت اگر اصلاحات نهادی مانند افزایش شفافیت، ثبات مقررات، حمایت از حقوق سهام‌داران خرد و بهبود روابط بین‌المللی انجام نشود، بازار سرمایه همچنان پرنوسان، شکننده و کمتر جذاب برای سرمایه‌گذاران بلندمدت خواهد ماند. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت بورس تهران پتانسیل رشد آسمی در شرایط تورمی را دارد اما تحقق رشد واقعی و پایدار آن در گرو تغییرات ساختاری عمیق در اقتصاد و سیاست‌گذاری کلان است.

همچنین چشم‌انداز قیمت دلار در ایران به چند متغیر کلیدی گره خورده است. نخستین عامل، وضعیت درآمدهای ارزی کشور است که به صادرات نفت، شرایط تحریم‌ها و امکان دسترسی به منابع پلوه شده، بستگی دارد. هر گشایش سیاسی یا توافقی که فروش نفت و نقل‌وانتقال ارز را تسهیل کند، می‌تواند فشار تقاضا را کاهش دهد و ثبات نسبی ایجاد کند. در مقابل، تداوم یا تشدید محدودیت‌ها، عرضه ارز را محدود کرده و زمینه‌ساز افزایش نرخ خواهد بود.

عامل دوم، سیاست‌های پولی و مالی داخلی است. رشد مداوم نقدینگی، کسری بودجه ساختاری و وابستگی دولت به منابع بانکی، باعث تضعیف ارزش ریال می‌شود. حتی اگر عرضه ارز در کوتاهمدت مدیریت شود، تورم داخلی بالا به مرور فاصله نرخ ارز رسمی و بازار آزاد را افزایش می‌دهد. عامل سوم، انتظارات جامعه است. تجربه نشان داده تغییرات سیاسی، ابهام در مذاکرات یا اخبار مربوط به روابط خارجی بیش از واقعیت‌های اقتصادی بر بازار ارز اثر می‌گذارد. همین انتظارات، موج‌های تقاضای سفته‌بازانه ایجاد می‌کند که نوسانات کوتاهمدت را تشدید می‌کند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

کسب‌وکار شیرین

چرا عده‌ای دوست دارند تحریم شویم؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

«عده‌ای هستند که اگر روزی تحریم‌ها برداشته شود، سکنه می‌کنند؛ زیرا درآمدهای سرشاری بابت تحریم دارند. کاسبان تحریم نمی‌خواهند این وضعیت از بین برود.» این عبارت ساده اما دقیق که توسط محمد سرافراز، رئیس پیشین سازمان صدا و سیما مطرح شد به‌خوبی راز تداوم و حتی تشدید تحریم‌های اقتصادی ایران در دهه‌های اخیر را آشکار می‌کند. تکرار مدام گزاره‌هایی مانند کاسبان تحریم یا کاسبان تورم ما را به گروه‌های خاصی ارجاع می‌دهد که از یک تعادل بد در اقتصاد ارتزاق می‌کنند و نفع می‌برند؛ تعادل بد به این معنا که منفعت این گروه‌های ذی‌نفع در گرو منفعت کلی اقتصاد و جامعه نیست بلکه مانند یک بازی جمع صفر، نفع آنها در زیان دیگران است. برای نمونه یک سیاست غلط اقتصادی تدوین و تصویب و اجرا می‌شود که رانت و سود بزرگی برای یک گروه اقلیت دارد اما زیان بزرگی برای آحاد جامعه به دنبال دارد. بهترین مثال همین تحریم است که عملکرد اقتصاد ایران در سال‌های گذشته را تحت‌تاثیر قرار داده است. ایران هم به لحاظ شدت تحریم‌ها و هم به لحاظ تداوم آن‌ها، یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های جهانی است؛ به همین دلیل مطالعات داخلی و خارجی متعددی درباره آن انجام شده است. تحریم‌های ایران فرصتی کم‌نظیر برای بررسی آثار بلندمدت، محدودیت‌های اقتصادی بر یک اقتصاد نسبتاً باز و کوچک فراهم می‌آورد به‌ویژه به دلیل وجود داده‌های تاریخی دقیق در این حوزه. منطق اولیه پشت تحریم‌های غیرهدفمند آن است که فشار اقتصادی بر مردم به‌طور خودکار به فشار سیاسی بر دولت منجر شود و تغییر رفتار یا ساختار سیاسی را به همراه داشته باشد. در مقابل، تحریم‌های هدفمند بر این فرض استوارند که وارد کردن هزینه مستقیم به نخبگان حاکم می‌تواند، تصمیم‌گیری آنان را تغییر دهد. با این حال شواهد آماری نشان می‌دهد که در عمل، تحریم‌ها به ندرت اهداف سیاسی مورد نظر تحریم‌کنندگان را محقق کرده‌اند.

این یادداشت می‌کوشد ضمن مرور یافته‌های پژوهشی درباره تحریم‌های ایران میان پیامدهای اقتصادی و پیامدهای اقتصاد سیاسی تمایز بگذارد و نشان دهد چگونه ذی‌نفعان داخلی تحریم‌ها در شکل‌گیری چرخه تداوم و تشدید آن‌ها نقش آفرینی می‌کنند.

در ۴ دهه گذشته، ایران هدف گسترده‌ترین مجموعه تحریم‌های اقتصادی قرار گرفته است؛ تحریم‌هایی که به‌طور پیوسته روابط اقتصادی و سیاسی کشور را با جهان محدود کرده‌اند. نقطه آغاز این روند به بحران گروگان‌گیری سفارت آمریکا در سال ۱۹۷۹ بازمی‌گردد. آمریکا در واکنش دارایی‌های

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

توصیه‌های هیدلی

چرا گوش دادن مهم است؟

سعید مشهوری

مترجم

بسیاری از افراد بر این باورند که هنگام صحبت، طرف مقابل به‌درستی به سخنان‌شان گوش نمی‌دهد. در عین حال بسیاری دیگر نیز تمایل دارند گفت‌وگوهای بهتر، مؤثرتر و مثبت‌تری با دیگران داشته باشند. سلیست هیدلی روزنامه‌نگار، مجری رادیو و نویسنده آمریکایی است. او بیش از دو دهه در رسانه‌های مختلف از جمله رادیوی ملی عمومی آمریکا فعالیت داشته و اجرای برنامه‌های گفت‌وگومحور را بر عهده داشته است. هیدلی بیشتر به دلیل سخنرانی مشهورش در «تد» شناخته می‌شود که میلیون‌ها بار دیده شده است. او تجربه‌ای طولانی در زمینه روزنامه‌نگاری و اجرای برنامه‌های رادیویی دارد و سال‌ها، کار او بر پایه تعامل و گفت‌وگو با افراد گوناگون بنا شده است. این تجربه عملی باعث شده، توصیه‌های او نه صرفاً نظری بلکه برآمده از مشاهده و آزمون در شرایط واقعی باشند. از سوی دیگر در دنیای امروز

ایران را مسدود کرد و روابط دو کشور به‌سرعت وارد تنش شد. با وجود توافق الجزایر در سال ۱۹۸۱ بی‌اعتمادی و تحریم‌های دوره‌ای ادامه یافت. دهه‌های بعد، تحریم‌ها متناسب با شرایط سیاسی و نگرانی‌های بین‌المللی شدت گرفتند. در دوره کلinton، محدودیت سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت اعمال شد. افشای فعالیت‌های هسته‌ای در سال ۲۰۰۲ مسیر تازه‌ای به این سیاست داد. شورای امنیت بین‌سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ چندین قطعنامه تحریمی در حوزه هسته‌ای و موشکی تصویب کرد. سپس در سال ۲۰۱۲ اتحادیه اروپا به آمریکا پیوست و با تمرکز بر صادرات نفت و بانک مرکزی، فشارها را به سطحی بی‌سابقه رساند. این روند تا توافق برجام در سال ۱۳۹۴ ادامه و برای مدتی کوتاه کاهش یافت. اما با



خروج دولت ترامپ از برجام در ۱۳۹۷ تحریم‌ها دوباره و حتی شدیدتر بازگشتند. سیاست فشار حداکثری علاوه بر موضوع هسته‌ای، هدف تغییر رفتار منطقه‌ای و حتی سیاسی ایران را دنبال می‌کرد.

پیامدهای تحریم‌ها بر اقتصاد ایران در سه بعد اصلی قابل بررسی است: رشد اقتصادی، گسترش اقتصاد غیررسمی و اثرات توزیعی. پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند، تحریم‌ها نرخ رشد بالقوه ۴ تا ۵ درصدی اقتصاد ایران را به حدود ۲ درصد کاهش داده‌اند. کاهش صادرات نفت، سقوط ارزش ریال و تورم بالا از مهم‌ترین کانال‌های اثرگذاری بوده است. برخی پیامدهای غیرمترقبه همچون افزایش صادرات غیرنفتی

و توسعه صنایع نظامی نیز گزارش شده‌اند.

اقتصاد غیررسمی در دوران تحریم به‌طور محسوسی گسترش یافته است. شکاف نرخ ارز رسمی و غیررسمی بستر رانت‌جویی و فساد را تقویت کرده و شبکه‌های غیرشفاف مالی و تجاری قدرت گرفته‌اند. شواهد نشان می‌دهد هرچه تحریم‌ها طولانی‌تر شوند، اقتصاد به مسیرهای جایگزین خو می‌گیرد اما این سازگاری به قیمت افزایش فساد و تضعیف نهادهای رسمی تمام می‌شود. در سطح خرد، آثار تحریم‌ها بر اشتغال، رفاه خانوار و آموزش آشکار است. مطالعات نشان داده‌اند که نرخ مشارکت زنان کاهش یافته و شکاف‌های جنسیتی در آموزش تشدید شده است. تولید ناخالص داخلی در سال‌های اوج تحریم تا ۱۹ درصد کمتر از حالت بدون تحریم برآورد شده است. حدود ۱۰ درصد خانوارها به فقر سقوط کرده‌اند و فقط بخش کوچکی پس از رفع موقت تحریم‌ها توانسته‌اند از فقر خارج شوند. گروه‌های روستایی، کم‌سواد و فعال در بخش خصوصی بیشترین آسیب را دیده‌اند، در حالی که کارکنان دولت و گروه‌های برخوردار از رانت کمتر متضرر شده‌اند.

بسا وجود این، همه ضعف‌های اقتصادی ایران ناشی از تحریم‌ها نیست. سوءمدیریت، فساد گسترده، نظام بانکی ناکارآمد و سیاست‌های دستوری نیز نقش پررنگی در تداوم تورم و رشد پایین دارند. تحریم‌ها این ضعف‌ها را تشدید کرده و توجهی برای سیاست‌های ناکارآمد داخلی فراهم آورده‌اند. در نتیجه، ترکیبی از فشار خارجی و مشکلات ساختاری، رکود تورمی و کاهش رفاه را تعمیق کرده است. تحریم‌ها علاوه بر آثار اقتصادی، پیامدهای اجتماعی جدی داشته‌اند؛ از افزایش نابرابری جنسیتی و مهاجرت نخبگان تا کاهش ازدواج و نرخ باروری. چنین پیامدهایی آثار بلندمدت و جبران‌ناپذیری برای توسعه کشور ایجاد می‌کنند.

مطالعه مورد عراق نمونه روشنی از ناکامی تحریم‌ها در تغییر رفتار رژیم‌های استبدادی است. تحریم‌های شدید دهه ۱۹۹۰ اقتصاد عراق را فروپاشاند و به مرگ صدها

هزار نفر انجامید اما صدام حسین سال‌ها در قدرت باقی ماند و در نهایت تنها با حمله نظامی سرنگون شد. این تجربه نشان می‌دهد، تحریم‌ها گاه نه جایگزین جنگ بلکه مقدمه آن می‌شوند. نتیجه کلی آن است که تحریم‌ها اگر چه می‌توانند فشار اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی ایجاد کنند اما در بسیاری موارد اهداف سیاسی اعلام شده را محقق نمی‌سازند. در ایران نیز تحریم‌ها به جای تغییر ساختار سیاسی موجب گسترش فساد، تقویت گروه‌های ذی‌نفع داخلی و افزایش شکاف میان دولت و جامعه شده‌اند. از این رو به‌جای آنکه ابزاری برای صلح و اصلاح باشند به عاملی برای پیچیده‌تر شدن بحران‌ها تبدیل شده‌اند.

۴ همراه با جریان مکالمه حرکت کنید. اگر موضوعی به ذهن‌تان خطور می‌کند، اجازه دهید عبور کند و به گفت‌وگو بازگردید. نادیده گرفتن صحبت‌های طرف مقابل برای آماده‌سازی سؤال بعدی، نشانه عدم توجه واقعی است.

۵ اگر چیزی را نمی‌دانید، صادقانه بگویید «نمی‌دانم». ارزش کلام در صداقت است.

۶ تجربه خود را معادل تجربه دیگران قرار ندهید. مشکلات و شرایط هر فرد منحصر به‌فرد است و نباید با بیان تجربه شخصی خود، موضوع را به خودتان معطوف کنید. محور گفت‌وگو فرد مقابل است، نه شما.

۷ از تکرار مداوم نظر خود خودداری کنید. این عادت به‌ویژه در محیط‌های کاری یا در برخورد با کودکان شایع است و از کیفیت مکالمه می‌کاهد.

۸ وارد جزئیات غیرضروری نشوید. افراد به تاریخ‌ها، نام‌ها و جزئیات ریز اهمیت چندانی نمی‌دهند. آنچه اهمیت دارد، خود شما و ارتباطی است که برقرار می‌کنید.

۹ گوش دهید. شنیدن فعال و عمیق مهم‌ترین مهارت در گفت‌وگو است و نیازمند تلاش و توجه واقعی است. بدون گوش دادن، چیزی جز تبادل سطحی کلمات رخ نخواهد داد.

۱۰ کوتاه و مختصر سخن بگویید. همان‌گونه که گفته می‌شود، گفتار باید به اندازه‌ای کوتاه باشد که توجه را جلب کند و در عین حال به اندازه کافی بلند که اصل مطلب را پوشش دهد.

سراشیبی جمعیت

سال ۱۴۱۵؛ توقف رشد و خداحافظی با رویای ۱۰۰ میلیونی



گروه اجتماعی: بحران خاموش جمعیت در ایران، ابعاد هشداردهنده‌ای یافته است. بر اساس تازه‌ترین پیش‌بینی‌ها، نرخ رشد طبیعی جمعیت کشور تا سال ۱۴۱۵ به صفر می‌رسد و جمعیت ایران هرگز به سقف ۱۰۰ میلیون نفر نخواهد رسید. این وضعیت که با ثبت کمترین میزان مولاید در تاریخ معاصر و افزایش بی‌سابقه فاصله فرزندآوری همراه شده، زنگ خطر را برای آینده اقتصادی و اجتماعی کشور به صدا درآورده است.

داده‌های جمعیتی ایران، روندی شتابان و بی‌سابقه را نشان می‌دهند. صالح قاسمی، دبیر مرکز مطالعات راهبردی جمعیت با اشاره به کاهش سریع نرخ باروری از بیش از ۶ فرزند به ازای هر مادر در دهه ۱۳۶۰ به کمتر از دو فرزند در حال حاضر این تغییر ۳۵ ساله را در دنیا بی‌سابقه می‌داند.

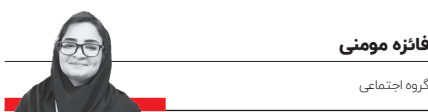
آمار رسمی سازمان ثبت احوال نیز این هشدار را تأیید می‌کند: در سال ۱۴۰۳ برای نخستین بار طی ۶۵ سال گذشته تعداد مولاید به زیر یک میلیون تولد رسید و با ثبت تنها ۹۷۹ هزار و ۹۲۳ واقعه ولادت، کمترین آمار مولاید تاریخ معاصر ثبت شد. این رقم نسبت به سال قبل حدود ۸۰ هزار تولد کمتر است.

این روند کاهششی، آینده جمعیتی کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. قاسمی هشدار می‌دهد که اگر روند فعلی کاهش باروری ادامه یابد حدود سال ۱۴۱۵ نرخ رشد طبیعی جمعیت ایران به صفر خواهد رسید و پس از آن از حوالی سال ۱۴۲۰ کشور وارد فاز رشد منفی جمعیت خواهد شد.

رمزارز

تتر، زیر بار محدودیت

رمزارز تتر در محاصره قوانین داخلی و خارجی قرار گرفت



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

بازار رمزارز در ایران که سال‌هاست به دلیل تحریم‌ها و نوسانات اقتصادی داخلی به پناهگاه سرمایه و کانالی برای نقل و انتقالات مالی تبدیل شده، این روزها با توفانی از محدودیت‌های داخلی و تهدیدات بین‌المللی مواجه است. تصمیم اخیر هیأت عالی بانک مرکزی مبنی بر اعمال سقف‌های سختگیرانه برای خرید و نگهداری تتر (USDT) همزمان با تشدید فشارهای بین‌المللی ناشی از مکانیسم ماشه یک جبهه جدید از چالش‌ها را پیش روی میلیون‌ها کاربر ایرانی گشوده و دورانی سخت‌تر را برای این بازار پیش‌بینی می‌کند.

حصار داخلی: محدودیت‌های ۵ و ۱۰ هزار دلاری

روز گذشته بانک مرکزی ایران در یک اقدام نظارتی مهم، قوانین جدیدی را برای رم‌پول‌های پایه ثابت (Stablecoin) وضع کرد. اصغر ابوالحسنی، قائم‌مقام بانک مرکزی، اعلام کرد که سقف‌های سرانه برای هر کاربر حقیقی و حقوقی با کد شناسه ملی یکتا در کلیه پلتفرم‌های رم‌ارزی تعیین شده است. این مصوبه دو سقف کلیدی را شامل می‌شود: سقف خرید سالانه که حداکثر مجموع خرید تتر و سایر استیبل کوین‌ها را به ۵ هزار دلار یا معادل آن در طول یک سال محدود می‌کند؛ و سقف نگهداری که حداکثر مجموع نگهداری این رم‌پول‌ها را به ۱۰ هزار دلار یا معادل آن می‌رساند. این مصوبه شامل یک دوره گذار یک ماهه نیز هست که افراد دارای دارایی مازاد باید در آن وضعیت خود را با سقف جدید تطبیق دهند. این تصمیم به طور خاص، بازیکنان بزرگ (تهنگ‌ها) و سفته‌بازان کلان را هدف قرار داده و سیگنالی آشکار برای اعمال حاکمیت نظارتی بر این بخش از اقتصاد زیرزمینی صادر کرده است.

دلایل داخلی اعمال محدودیت‌ها: فرار از نوسانات ارزی

تصمیم بانک مرکزی ریشه در دو عامل اصلی داخلی دارد که هر دو به کنترل نقدینگی و مهار بازار غیررسمی ارز بازمی‌گردد. تتر به دلیل پشتوانه دلاری خود عملاً به «دلار دیجیتال» ایران

پیامد این زوال این است که بر اساس الگوهای آینده‌پژوهی، سقف جمعیتی ایران در سال ۱۴۲۰ تنها حدود ۹۲ میلیون نفر پیش‌بینی می‌شود و کشور هیچ‌گاه جمعیت ۱۰۰ میلیون نفر را تجربه نخواهد کرد.

سالمندی سریع و تأخیر در فرزندآوری

در کنار کاهش تعداد تولدها، شاخص‌های دیگر جمعیتی نیز نشان از یک گذار جمعیتی سریع به سوی سالمندی دارند. مسئولان اعلام کرده‌اند که میانگین سن ایران در ۴۵ سال گذشته از ۲۲ به ۳۲ سال افزایش یافته و اگر این روند ادامه یابد تا سال ۱۴۳۰ بیش از ۲۶ درصد جمعیت کشور سالمند خواهند بود. این وضعیت که جمعیت‌پژوه آن را «چالشی پرهزینه» می‌داند علاوه بر تحمیل هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی، «ریتیم عمومی جامعه را کند می‌کند که برای کشوری مثل ایران خوشایند نیست».

همزمان با کاهش کلی باروری، تمایل زوج‌های جوان به تأخیر در فرزندآوری نیز به یک معضل ساختاری تبدیل شده است. میانگین سن زنان در اولین بارداری حدود ۲۷.۵ سال و مردان ۳۲.۳ سال است. این تأخیرها عمیق‌تر نیز شده است: مرکز رصد جمعیت گزارش داده که میانگین فاصله زمانی بین تولد فرزند اول و دوم با افزایش چشمگیر از ۳.۳ سال در دهه ۶۰ به ۵.۹ سال در سال ۱۴۰۳ رسیده است. این به آن معناست که خانواده‌ها هم دیرتر فرزند می‌آورند و هم بین فرزندان فاصله‌ای بسیار طولانی می‌اندازند.

اقتصاد و سبک زندگی؛ موانع اصلی فرزندآوری
کارشناسان بر این باورند که اقتصاد و تغییرات فرهنگی، مهم‌ترین دلایل افت شدید نرخ باروری هستند. تورم بالا (نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در اسفند ۱۴۰۳ معادل ۳۲.۵ درصد) و گرانی افسارگسیخته، هزینه پرورش فرزند را به شدت افزایش داده است. علاوه بر این، بیسکاری جوانان (حدود ۲۰.۱ درصد برای گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال) و بحران مسکن و رشد نجومی قیمت اجاره‌بها، امید و توان مالی خانواده‌ها را برای فرزندآوری از بین برده است. از نظر فرهنگی، تغییر نگرش‌ها به ازدواج، تأخیر در آن و افزایش تجرد در میان نسل جدید مشهود است. زنان تحصیل کرده و شاغل نیز به دلیل عدم تطابق قوانین کار با نیازهای مادران و کمبود خدمات نگهداری کودک، فرزندآوری را به تعویق می‌اندازند. در مجموع، «مشکلات اقتصادی، بی‌ثباتی شغلی و نگرانی‌های مربوط به آینده فرزندان» را می‌توان عوامل اصلی این بحران خاموش نامید.

سیاست‌های حمایتی: از قانون تا واقعیت

در واکنش به این تهدید، قانون‌گذار هدف‌گذاری کرده بود که نرخ باروری کلی کشور به حداقل ۲.۵ فرزند برسد. دولت نیز

در سطح جهانی، فشار را بر بازیگران بین‌المللی نظیر تتر لیمیتد برای رعایت کامل تحریم‌ها چندین برابر می‌کند. در این محیط، خطر مسدود شدن دارایی‌های کاربران ایرانی به دلایل زیر به بالاترین حد خود می‌رسد: آدرس‌های رم‌ارزی که از طریق صرافی‌های ایرانی، اقدام به احراز هویت کرده‌اند یا به طور مستمر با پلتفرم‌ها و نهادهای تحریم شده در تعامل بوده‌اند، در معرض شناسایی و مسدودسازی قرار می‌گیرند. تحریم‌های تشدید شده، ریسک همکاری با کاربران ایرانی را برای صرافی‌ها و کیف پول‌های غیرمتمرکز افزایش می‌دهد و ممکن است آنها را وادار به اعمال محدودیت یا مسدود کردن حساب‌های مرتبط با آدرس‌های IP ایرانی یا مدارک هویتی ایران کند. در واقع مکانیسم ماشه ابزار فشار و تحریم را تشدید کرده و بهانه‌های بیشتری به تتر لیمیتد یا نهادهای بین‌المللی می‌دهد تا دارایی‌های کاربران ایرانی را در جهت تطابق با قوانین تحریم (Compliance) مسدود کنند.

پیامدها برای فعالان بازار: افزایش ریسک

ترکیب محدودیت‌های داخلی و تهدیدات خارجی، آینده بازار رم‌ارز ایران را به سمت غیرمتمرکز شدن بیشتر سوق خواهد داد. اعمال سقف‌های خرید و نگهداری، کاربران را به سمت مبادلات خارج از پلتفرم (OTC) یا استفاده از پلتفرم‌های غیرمتمرکز (DEX) سوق می‌دهد؛ هرچند هر دوی این گزینه‌ها با ریسک‌های بالاتر امنیتی و حقوقی همراه هستند. در نتیجه تتر به ابزاری با ریسک بالا تبدیل می‌شود و ممکن است برخی کاربران به جای آن به سمت رم‌ارزهایی با ساختار متمرکز کمتری مانند دای (DAI) یا سایر استیبل کوین‌های غیرمتمرکز بروند، گرچه حجم نقدینگی و مقبولیت آنها در ایران به اندازه تتر نیست. همچنین ناپایداری قیمت در صرافی‌های داخلی ناشی از این محدودیت‌ها، می‌تواند فضای معامله را آشفته‌تر کند. توصیه اصلی کارشناسان به فعالان بازار، بررسی دقیق ریسک‌ها، کاهش ذخیره دارایی در پلتفرم‌های متمرکز داخلی و انتقال دارایی به کیف پول‌های شخصی است؛ اما این راهکار نیز نیازمند دانش فنی بالا برای حفظ امنیت است چراکه در این بازار پرتلاطم، نه حمایت داخلی برقرار است و نه امنیت خارجی تضمین شده است.

شهری

ماشه چکانی بسیجیان

چمران؛ می‌خواستیم مراسم ماشه‌چکانی در شورای شهر برگزار کنیم اما کنسل شد

مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران، در جلسه دیروز شورای شهر، علاوه بر اعلام دستورات جلسه نظیر انتخاب اعضای شعب ده‌گانه کمیسیون ماده ۱۰۰ و بررسی آیین‌نامه‌های مالی شرکت‌ها و سازمان‌های وابسته به شهرداری همچنین لایحه شرکت گردشگری و تفریحی برج میلاد تهران به دو موضوع دیگر هم واکنش نشان داد: ترافیک ناشی از نمایشگاه‌ها و فعال شدن مکانیسم ماشه. چمران در ابتدای سخنان خود، انتقاد تندی را متوجه مدیریت برگزاری نمایشگاه‌ها کرد. وی به‌طور خاص به برگزاری نمایشگاه الکامپ در «روزهای اول مهرماه» اشاره کرد و آن را یک «معضل» جدی برای شهر دانست. او تأکید کرد که در «اوج ترافیک سال» برگزاری نمایشگاه الکامپ که یکی از پربازدیدترین نمایشگاه‌هاست در تاریخ و محل نامناسب صورت می‌گیرد. رئیس شورا با لحنی تند این وضعیت را مصداق آزار مردم دانست و گفت: «اینکه اصرار دارند مردم را آزار دهند، بحثی است که باید مورد بررسی قرار بگیرد. ما از سمت کشورهای خارجی تحت فشار هستیم و در داخل هم عده‌ای اینگونه به مردم آسیب می‌زنند و مشکل ایجاد می‌کنند. من برای آنها متأسفم و به نظر می‌رسد باید از راه دیگری وارد شد».

در ادامه، چمران به موضوع مکانیسم ماشه (Snapback) پرداخت. وی تلاش کرد تا این تهدید بین‌المللی را کم‌اهمیت جلوه دهد و آن را صرفاً یک اقدام تبلیغاتی دانست. او تصریح کرد: «این مساله چیز جدیدی نیست و سخت‌تر از آن را آمریکا ایجاد کرده و کشور ما مقاومت کرده است؛ البته مسئولان ما باید تلاش کنند، مشکلات را رفع کنند. چیز حاد و خاصی نیست و آنها بیشتر جنبه‌های روانی را مد نظر دارند». چمران برای تأکید بر عدم اهمیت مکانیسم ماشه، یک ایده بحث‌برانگیز را مطرح کرد: «بنا داشتیم تمام بسیجیان را بیاوریم و به همه آنها یک ماشه بدهیم تا آن را بچکانند و بگویند ما خودمان ماشه را چکانیدیم». او افزود: «اما چون سر و صدا داشت و شلوغ می‌شد، زیاد به این موضوع اصرار نکردم». وی در جمع‌بندی خود مجدداً تأکید کرد: «امکانیسم ماشه چیزی از قدیم بوده و سخت‌تر از آن را آمریکا اجرا کرده و کشور ما همه آنها را دور زده و در مقابل آنها مقاومت کرده است. به اعتقاد من مکانیسم ماشه، فشاری نخواهد داشت».

